**نام مقاله: تحليل محتواي كتاب‌هاي داستاني مناسب كودكان در گروه سني «ب» با رويكرد كتاب‌درماني**

**نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)**

**شماره نشريه: 24 \_ شماره چهارم ، جلد 6**

**پديدآور: نسرين امين دهقان، دكتر مهري پريرخ**

**چكيده**

**هدف عمدة اين پژوهش، تحليل داستان‌هاي مناسب كودكان و سنجش ميزان تأثير آن‌ها در كاهش يا حل چهار مشكل روانشناختي پرخاشگري، اعتماد به نفس پايين، ترس، و اندوه است.يافته‌هاي پژوهش نشان مي‌دهند سهم داستان‌هاي تأليف و ترجمه شده، به‌‌طور مساوي 230 عنوان، داستان‌هاي واقعي76 و داستان‌هاي غيرواقعي 384 عنوان است. در مورد مشخصه‌هاي ديگر مانند نويسنده، ناشر و سال نشر پراكندگي زيادي در جامعه وجود دارد. همچنين، تحليل داده ها نشان مي دهد داستان‌هاي مناسب كودكان در بيشتر موارد با هدف كاهش يا درمان مشكلات روانشناختي نوشته نمي‌شوند و به نظر مي رسد رشد و شكوفايي استعدادها، آموزش و سرگرمي بيشتر مورد توجه قرار گرفته است. از مجموع 460 داستان مناسب اين پژوهش، 14 درصد از داستان‌ها براي تقويت اعتماد به نفس، 8 درصد براي كاهش پرخاشگري، در حدود 8 درصد براي كاهش ترس و 4 درصد براي كاهش اندوه كودكان مي‌توانند مورد استفاده قرار گيرند. تعداد داستان‌هايي كه مي‌توانند به بيش از يك مشكل پاسخگو باشند، اندك است و داستان‌ها اغلب تك‌مضموني هستند،5‌ درصد از داستان‌ها براي كاهش ترس و نيز تقويت اعتماد به نفس و درحدود 2‌ درصد براي كاهش اندوه و نيز تقويت اعتماد به نفس مي‌توانند مورد استفاده قرار گيرند. در بقيه موارد، تعداد اين گونه داستان‌ها كمتر از 1 درصد است.**

**كليدواژه‌ها: كتاب‌درماني، ادبيات كودكان، تحليل محتوايي داستان‌هاي كودكان**

**مقدمه**

كودك به‌عنوان هويتي يگانه، در هر يك از مراحل رشد، نيازها و رغبت‌هاي خاص خود را دارد. بخشي از مشكلات روانشناختي فرد در سنين بزرگسالي به عدم پاسخگويي و ارضاي نيازهاي دوران كودكي باز مي‌گردد. داستان به عنوان يك ابزار غيرمستقيم و مؤثر قادر است با ارضاي نيازها و استعدادهاي بالقوة كودك، او را به خودشكوفايي برساند يا در كاهش مشكلات روانشناختي ناشي از عوامل مختلف او را ياري كند. هدف عمدة پژوهش حاضر شناسايي كتاب‌هاي داستاني مناسبي است كه از نظر محتوا، امكان كاهش يا رفع مشكلات روانشناختي كودكان گروه سني «ب» را دارند. از اين‌رو، ابتدا با رويكرد شناختي از ديدگاه پياژه چگونگي تحول ذهني كودكان مورد مطالعه قرار مي‌گيرد. آنگاه اهميت و تأثير داستان به عنوان يكي از ابزارها و امكانات مؤثر در كاهش مشكلات روانشناختي «پرخاشگري»، «اعتماد به نفس پايين»، «ترس»، و «اندوه» مورد بررسي قرار مي‌گيرد. در پايان، با معرفي جامعة پژوهش، تحليل داده‌ها انجام مي‌شود.

**رشد شناختي كودك**

در روند رشد شناختي، ساختارهاي ذهني (طرحواره‌**[[1]](http://www.aqlibrary.org/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_pubarticles&did=1322&pid=10" \l "_ftn1" \o ")**هاي) كودك با استفاده از سه سازوكار درون‌سازي**[[2]](http://www.aqlibrary.org/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_pubarticles&did=1322&pid=10" \l "_ftn2" \o ")**، برون‌سازي**[[3]](http://www.aqlibrary.org/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_pubarticles&did=1322&pid=10" \l "_ftn3" \o ")**، و تعادل‌جويي**[[4]](http://www.aqlibrary.org/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_pubarticles&did=1322&pid=10" \l "_ftn4" \o ")** ساخته مي‌شوند. درون‌سازي يك فرايند شناختي است كه فرد با استفاده از آن، محرك‌هاي جديد ادراكي، حركتي يا مفهومي را در طرحوار‌ه‌ها يا الگوهاي رفتاري موجود جاي مي‌دهد. به عبارتي مي‌توان گفت كه هر كودك تجربه‌هايي دارد، به چيزهاي جديدي بر‌مي‌خورد يا چيزهاي قديمي را به گونه‌اي جديد مي‌بيند و ابتدا سعي مي‌كند تا رويدادها يا محرك‌هاي جديد را با طرحواره‌هاي موجودش تطبيق دهد («وادزورث»، 1378).

برون‌سازي به مفهوم كلي به معناي انطباق است، به اين معنا كه كودك در هنگام مواجهه با محرك جديد سعي مي‌كند آن را با طرحواره‌هاي موجود انطباق دهد. به بيان ديگر، كودك با ايجاد طرحواره‌اي جديد، محرك تازه را در درون آن جاي مي‌دهد يا به تعديل طرحواره‌هاي قديمي مي‌پردازد و به گونه‌اي آن‌ها را تغيير مي‌دهد كه محرك جديد با آن‌ها منطبق شود.

پياژه در نظرية خود به يك عامل دروني معتقد است كه كار بازبيني و نظم‌دادن به تحول را بر عهده دارد. تعادل‌جويي همان عامل نظم‌دهنده‌‌‌‌‌‌اي است كه ورود موفقيت‌آميز تجربه‌هاي جديد را در جمع طرحواره‌هاي موجود ميسر مي‌كند(همان). تعادل‌جويي از راه خود نظم‌جويي، عامل وحدت‌بخش تمامي تجربه‌ها و درون‌سازي‌ها و برون‌سازي‌هاي كودك است. اين عامل است كه دستاوردهاي كودك، و در نتيجه سه عامل ديگر را انسجام مي‌بخشد و كودك را به‌سوي يك تعادل پويا در تعامل دائم او با محيط پيرامونش هدايت مي‌كند. تعادل‌جويي به تجربة بيروني امكان مي‌دهد تا در طرحواره‌هاي دروني جذب شود. وقتي عدم تعادل پيش مي‌آيد، انگيزشي براي جستجوي تعادل (حل مشكل) در كودك ايجاد مي‌شود كه او را براي درون‌سازي و برون‌سازي‌هاي بعدي آماده مي‌كند. اختلال در فرايند تعادل‌جويي مي‌تواند زمينه‌ساز برخي از مشكلات روانشناختي گردد.

به عقيدة پياژه، طرحواره‌ها به گونه‌اي تدريجي ساخته و بازسازي مي‌شوند. پياژه تحول ذهني را به چهار دوره تقسيم مي‌كند: 1) دورة حسي ـ حركتي (تولد تا دو سالگي)، 2) دورة پيش‌عملياتي ( دو تا هفت سالگي)، 3) دورة عمليات عيني (هفت تا يازده سالگي)، و 4) دورة انتزاعي ـ صوري (يازده تا شانزده سالگي).

در دورة عمليات عيني (7 تا 11 سالگي، شامل كودكان گروه سني «ب»، يعني سال‌هاي آغاز دبستان) كودك به سطحي از فعاليت ذهني مي‌رسد كه مي‌تواند محدوديت‌هاي دورة قبل، مانند خودميان‌بيني و خودمحوري در استفاده از زبان را پشت سر‌گذارد. كودك براي تأييد نظرات خود به ديدگاه‌هاي ديگران توجه مي‌كند و از زبان براي برقراري ارتباط و مبادلة اطلاعات استفاده مي‌كند.

يكي از ابزارهايي كه در سرعت‌بخشيدن به تحول ذهني كودكان نقش مؤثري دارد، داستان است. داستان از ماهيتي خاص برخوردار است كه به رشد شناختي، عاطفي و رفتاري كودك كمك مي‌كند. ارائة ارزش‌هاي انساني و نشان دادن راهبردهاي مختلف در برابر مشكلات، اطلاعات و نگرش‌هاي منطقي و جديدي را به ذهن كودك منتقل مي‌كند، او را از دنياي خودميان‌بين و توجه متمركز بر خود، به چشم‌اندازهاي ديگر فرا مي‌خواند.

**نقش قصه و داستان در رشد رواني كودك**

قصه و داستان ابزار ارزشمندي براي تحريك عدم‌تعادل يا تعارض شناختي كودك است. مفاهيم و ارزش‌هاي موجود در داستان موجب مي‌شوند كه كودك، مفاهيم و نظرات شخصي خود را با آن‌ها مقايسه كند و در صورت تضاد، آن‌ها را برون‌سازي كند. كودك با شخصيت‌هاي داستان به‌طور غيرمستقيم در تعامل است و از طريق رويدادهاي داستان با اطلاعاتي روبرو مي‌شود كه ممكن است در هيچ‌جاي ديگر با آن‌ها برخورد نكند؛ ازاين‌رو تلاش مي‌كند آن‌ها را در طرحواره‌ها يا الگوهاي خود برون‌سازي كند. ويژگي مهم ديگر داستان سرگرم‌كنندگي، آرامش‌بخشي و لذت‌بخشي آن است. اين تأثيرها همانند نيروي محركه عمل مي‌كنند و تحول ساختارهاي ذهني را آسان‌تر و سريع‌تر مي‌كنند. به عبارتي، هنگامي كه قصه و داستان اشتياق كودك را بر‌مي‌انگيزد، تلاش براي برقراري تعادل در او تقويت مي‌شود.

به نظر مي‌رسد كودك در دورة عمليات عيني (7 تا 11 سالگي) به موجب توانايي‌هاي خود مي‌تواند واكنش مناسب‌تري به داستان نشان دهد. كودك در اين دوره از بند خودميان‌بيني آزاد مي‌شود. همزمان با فراگيري مهارت خواندن، داستان امكان مؤثر و كارآمدي را فراهم مي‌كند تا كودك ديدگاه‌هاي تازه‌اي كه فرصت تجربة آن‌ها را نداشته است، درك كند. كودك با خواندن يا شنيدن داستان مجال مي‌يابد ذهنيت‌هاي ثابت و تغييرناپذير خود را مورد شك و ترديد قرار دهد. همچنين، كودك به دليل سن كم خود نمي‌تواند همه چيز را تجربه كند، ولي داستان او را در موقعيت‌هايي كه شخصيت‌هاي داستاني آن‌ها را تجربه مي‌كنند، قرار مي‌دهد. كودك از طريق اين تجربة مشترك مي‌آموزد چگونه با مشكلات و چالش‌هايي كه فرصت روبه‌رو‌شدن با آن‌ها را در عالم خارج نداشته، مقابله كند.

از كاركرد عاطفي و رفتاري داستان نيز مي‌توان در رشد كودك بهره جست. هنگامي كه كودك داستان را مي‌خواند يا به آن گوش مي‌دهد، سه فرايند «همانندسازي»،[[5]](http://www.aqlibrary.org/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_pubarticles&did=1322&pid=10" \l "_ftn5" \o ") «پالايش رواني»[[6]](http://www.aqlibrary.org/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_pubarticles&did=1322&pid=10" \l "_ftn6" \o ") و «بينش»[[7]](http://www.aqlibrary.org/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_pubarticles&did=1322&pid=10" \l "_ftn7" \o ") را تجربه مي‌كند. اگر داستان مناسب حال و درخور استعداد كودك باشد، او مي‌تواند خود را جايگزين شخصيت يا قهرمان داستان كند و از اين طريق در انگيزه‌ها و تعارض‌هاي وي سهيم شود. هنگامي كه كودك كشف مي‌كند در مشكلات خود تنها نيست و كودكان ديگري نيز در اين تجربه‌ها شريك هستند، احساس امنيت و آرامش مي‌كند و از تنهايي او كاسته مي‌شود (كتاب‌درماني، 1379، ص 36).

هنگامي كه كودك و شخصيت مورد نظر انطباق يافتند، تخلية هيجان‌ها صورت مي‌گيرد. تخلية روانشناختي اغلب پس از رفع تعارض‌ شخصيت‌هاي داستان رخ مي‌دهد. به عبارتي، كودك از طريق پالايش رواني، بستري براي تخلية هيجان‌هاي خود پيدا مي‌كند.

كودك به مدد همانندسازي با شخصيت‌هاي داستان و برون‌ريزي هيجان‌ها، مشكلاتش را عميق‌تر و درست‌تر تجزيه و تحليل مي‌كند. چنين تحليل‌هايي باعث افزايش خودآگاهي و درك عميق‌تر از خود و ارتباط با ديگران مي‌شود. به عبارتي، «بينش» رابطة مستقيم با تقويت شناخت كودك دارد و از جنبة رفتاري، رفتارهاي كودك را بهبود مي‌بخشد.

مطالبي كه بيان شد، به اهميت و تأثير داستان در رشد رواني كودك اشاره دارند، ولي نگاهي به كتاب‌هاي داستاني منتشرشده، نشان مي‌دهد كه نويسندگان هدف‌هاي مختلفي از تأليف اين داستان‌ها دارند. برخي از كتاب‌ها به جنبه‌هاي رشد شناختي، عاطفي، اخلاقي و تربيتي توجه دارند. آموزش مستقيم و پند و اندرز، محتواي ديگر كتاب‌ها مي‌باشد. همچنين، كتاب‌هايي را مي‌توان يافت كه براي كودك تنها جنبة سرگرمي دارند. كتاب‌هاي داستاني بازاري و نامناسب، بخش ديگري را تشكيل مي‌دهند كه نه فقط براي كودك مفيد نيستند، بلكه ممكن است بدآموزي نيز داشته باشند. از اين رو، از سال‌ها پيش ضرورت شناسايي كتاب‌هاي مناسب، توسط نهادهاي تخصصي تشخيص داده شد. اين كتاب‌ها بر اساس معيارهاي مدون اين نهادها انتخاب مي‌شوند و درنهايت از طريق سياهة كتاب‌هاي مناسب، هر سال در اختيار عموم قرار مي گيرند. اگرچه مطالعة اين گروه از كتاب‌ها ممكن است به رشد كودك كمك كند و براي او سرگرم‌كننده و لذت‌بخش نيز باشد، ولي هنوز مشخص نيست آيا محتواي كتاب‌هاي داستاني مناسب كودكان در ايران را مي‌توان با رويكرد درماني مورد استفاده قرار داد يا خير. به عبارتي، ميزان تأثير اين كتاب‌ها در كاهش يا حل مشكلات روانشناختي از جمله پرخاشگري، اعتماد به نفس پايين، ترس، و اندوه در كودكان، سؤالي است كه اين پژوهش در پي پاسخگويي به آن است.

**سؤال‌هاي پژوهش**

1. كتاب‌هاي داستاني مناسب كودكان در گروه سني «ب» تا چه ميزان پاسخگوي هر يك از چهار مشكل روانشناختي‌ـ يعني پرخاشگري، اعتماد‌به‌نفس پايين، ترس، و اندوه‌ـ هستند؟

2. كتاب‌هاي داستاني مناسب كودكان در گروه سني «ب» تا چه ميزان توانايي پاسخگويي به بيش از يك مشكل روانشناختي را دارند؟

**جامعة آماريو ابزار گردآوري داده‌هاي پژوهش**

كتاب‌هاي داستاني مناسب كودكان در گروه سني «ب» (سال‌هاي اول، دوم و سوم دبستان) كه در سال‌هاي 1380-1370 توسط «شوراي كتاب كودك» انتخاب شده، جامعة آماري اين پژوهش را تشكيل مي‌دهند. «شورا» به عنوان باسابقه‌ترين سازمان غيردولتي از سال 1341 كار انتخاب كتاب‌هاي مناسب هر سال را بر عهده گرفته. «كانون پرورش فكري كودكان و نوجوانان» نيز به عنوان يك نهاد و ناشر تخصصي از سال 1345 به بررسي كتاب‌هاي مناسب هر سال مي‌پردازد. در ابتدا سياهة كتاب‌هاي مناسب هر دو نهاد به عنوان جامعة آماري در نظر گرفته شد، اما به علت آن‌كه معيارهاي مدون براي گزينش كتاب مناسب توسط «كانون» در دسترس نبود، كتاب‌هاي مناسب كانون در گروه سني «ب» از جامعة اين پژوهش حذف شد.

گروه‌هاي چندگانة بررسي و انتخاب كتاب مناسب در «شورا»، سالانه به بررسي و گزينش كتاب‌هاي منتشرشده مي‌پردازند. اين گروه‌ها تشكيل شده‌اند از تعدادي صاحبنظر كه سال‌ها در «شورا» به فعاليت مشغول بوده‌اند و در حوزه‌هاي موضوعي مختلف در ادبيات كودكان و نوجوانان مانند شعر، داستان و غيرداستان تجربه كسب كرده‌اند. اين گروه‌ها، پس از بررسي كتاب‌هايي كه هر سال منتشر مي‌شوند، به انتخاب كتاب‌هايي كه با معيارهاي كتاب مناسب همخواني دارند مي‌پردازند. اين معيارها در سال 1363 مورد بازنگري قرار گرفت و منتشر شد (شوراي كتاب كودك، 1363). «شورا» سياهة كتاب‌هاي مناسبي را كه هر سال انتخاب مي‌كند، از طريق خبرنامة خود در اختيار عموم قرار مي‌دهد.

اين پژوهش، به تحليل محتواي داستان‌هاي مناسب كودكان و سنجش ميزان تأثير آن‌ها در كاهش يا حل چهار مشكل روانشناختي‌ـ پرخاشگري، اعتماد به نفس پايين، ترس، و اندوه‌ـ مي‌پردازد. بر اساس متون روانشناسي و مشورت با متخصصان، روش‌هايي كه براي كاهش يا رفع هر مشكل توسط متخصصان روانشناس يا ادبيات كودكان مورد استفاده قرار مي‌گيرند، شناسايي و به عنوان مؤلفه‌هاي هر يك از مشكلات معرفي شدند.

در برخي از موارد، مؤلفه‌ها از مضمون داستان‌ها استخراج و سپس با بنيان‌هاي علمي و نظري مربوط به آن‌ها همخوان شده‌اند. براي سهولت در كار، مؤلفه‌ها به صورت كليدواژه يا عبارت‌هايي معرفي شدند كه در متون روانشناسي و فرهنگ‌هاي اين علم نيز به كار برده مي‌شوند. براي سنجش ميزان تأثير داستان‌ها در رفع يا كاهش چهار مشكل روانشناختي، براي هر متغير و مؤلفه‌هاي مربوطه يك ماتريس طراحي شد كه در هر رديف آن عنوان داستان‌هاي مناسب و در ستون‌ها، شش مؤلفه مربوط به هر متغير آورده مي‌شود. براي هر داستاني كه مؤلفة مربوطه را مورد استفاده قرار داده است، يك امتياز در خانة مربوطه در ماتريس قرار مي‌گيرد. با توجه به شش مؤلفة در نظر گرفته‌شده براي هر متغير، دامنة امتياز‌‌هاي داستان‌‌ها از1 تا 6 متغير است. به‌عبارتي، اگر داستاني در يك ماتريس 6 ‌امتياز بگيرد، به‌مفهوم آن است كه هر شش مؤلفه در آن، مورد شناسايي قرار گرفته‌اند. به اين ترتيب، مجموع نمرات هر داستان، نمايانگر كل امتيازي كه آن داستان به دست آورده و به بيان ديگر، ميزان تأثير داستان در حل يا رفع مشكل روانشناختي مربوطه است. به طور مثال، متغير «پرخاشگري» داراي شش مؤلفة «رغبت اجتماعي»، «آرام‌سازي رواني»، «تسلط بر خود»، «بيان خود به شيوه‌اي سالم»، «پيامد رفتار پرخاشگرانه» و «كاهش خشم» است. در صورتي كه داستان بتواند روحية همكاري و همياري را در كودك تقويت كند، از مؤلفة «رغبت ‌اجتماعي» برخوردار است و يك امتياز كسب مي‌كند. وجود مضموني «آرامش‌بخش»، به‌گونه‌اي كه ذهن كودك را از هيجان‌‌هاي منفي دور كند، امتياز ديگري براي آن به شمار مي‌آيد. در مجموع اين داستان 2 امتياز به دست مي‌آورد. از نظر ميزان تأثير، داستان‌‌هايي كه امتياز 1 و 2 را كسب كرده‌اند، در گروه داستان‌‌هاي ضعيف، داستان‌‌هاي 3 و 4 امتيازي در رده داستان‌‌هاي متوسط و داستان‌‌هاي 5 و 6 امتيازي در گروه داستان‌‌هاي قوي به‌شمار مي‌آيند. در اين پژوهش، ملاك انتخاب داستان‌‌هاي پاسخگو به مشكلات روانشناختي، آن است كه امتياز‌‌هاي متوسط و قوي (3 و بالاتر) را به دست آورده باشند.

اگرچه تحليل و تفسير داده‌هاي مربوط به داستان‌ها بر اساس ماتريس‌هاي محقق‌ساخته انجام شد، به منظور حفظ روايي ابزار، تعريف متغيرها و نيز مؤلفه‌هاي مربوطه بر پاية متون علمي، داستان‌هاي مورد مطالعه، و نظر متخصصان انجام گرفته است. به‌منظور تضمين پايايي ابزار گردآوري داده‌ها، ميزان همخواني نظرات محقق در مورد 9 داستان كه در رابطه با متغيرها به صورت تصادفي انتخاب شدند، با يك گروه كه تشكيل مي‌شدند از يك كتابدار، يك كارشناس ادبيات كودكان و يك متخصص روانشناس مورد سنجش قرار گرفت. ضريب توافق بين نتايج محقق و كارشناسان با استفاده از فرمول كاپا به دست آمد. نتايج نشان داد توافق بين محقق و هر يك از كارشناسان بالاتر از 90 درصد بوده است.

**مرور پژوهش‌ها، تجربه‌هاي عملي و ميزان اثربخشي كتاب‌درماني**

منابع مورد استفاده در اين پژوهش را مي‌توان به چند دسته تقسيم كرد. بيشتر منابع به توصيف و تاريخچة كتاب‌درماني مي‌پردازند. برخي ديگر، مرور مطالعه‌ها و پژوهش‌هاي انجام‌شده مي‌باشند. در برخي ديگر از مقاله‌ها، تجربه‌هاي عملي در اين زمينه مطرح مي شوند. معيارهاي انتخاب كتاب، سهم اندكي از منابع را به خود اختصاص داده‌اند.

«شرنك»[[8]](http://www.aqlibrary.org/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_pubarticles&did=1322&pid=10" \l "_ftn8" \o ") در مروري بر پژوهش‌هاي انجام‌شده، نتيجه گرفت كه كتاب‌درماني براي تغيير نگرش، سلامت ذهن، رشد خودپنداره و كاهش ترس مؤثر است. افزون بر آن، كتاب‌درماني تأثير مثبتي بر توانايي حل مشكلات دانش‌آموزان، رفتار اجتماعي، شكل‌گيري ارزش‌ها، روابط بين فردي، پذيرش افراد مختلف، و موفقيت در خواندن و مطالعه دارد.

«كولز»[[9]](http://www.aqlibrary.org/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_pubarticles&did=1322&pid=10" \l "_ftn9" \o ") روانپزشك كودكان نيز در پژوهش كيفي خود به روش‌هايي كه به شكل‌گيري ارزش‌هاي اخلاقي در كودكان كمك مي‌كنند پرداخت و نقش ادبيات و هنر را با اهميت تشخيص داد، زيرا اين دو، تخيل اخلاقي (تشخيص نيك و بد) را تقويت مي‌كنند كه خود موجب تقويت رشد مي‌شود. از همين ديدگاه، «جوديت روونجر»[[10]](http://www.aqlibrary.org/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_pubarticles&did=1322&pid=10" \l "_ftn10" \o ") متخصص ديگري در حوزة علوم كتابداري، به منابع برگزيده‌اي اشاره داشته كه همچون «خوراك اخلاقي» براي كودكان عمل مي‌كنند.

«بوردرز» و «پيزلي»[[11]](http://www.aqlibrary.org/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_pubarticles&did=1322&pid=10" \l "_ftn11" \o ") به بررسي تأثير كتاب‌درماني در برنامة مشاوره و راهنمايي دانش‌آموزان مدرسه پرداختند. اين پژوهش، در بهار سال 1990 با دو گروه از دانش‌آموزان دوره ابتدايي در حومة كاروليناي شمالي آغاز شد. گروه آزمايشي متشكل از 22 دانش‌آموز كلاس چهارم و پنجم و گروه كنترل، 20 دانش‌آموز كلاس پنجم بود. داستان‌ها انتخاب شدند و خواندن آن‌ها به مدت 20 تا 30 دقيقه در هر روز انجام شد. سپس با همراهي و هدايت يك مشاور، بحث‌هايي دربارة داستان صورت گرفت و سؤال‌هايي مانند اين‌كه از خواندن داستان چه احساسي داريد، اين داستان چه چيزي را در زندگي به ياد شما مي‌آورد، از داستان چه برداشتي داريد، مطرح گرديد و از دانش‌آموزان خواسته شد تا برداشت‌ها و تفسيرهاي خود را از داستان‌ها بنويسند.

گزينش و انتخاب داستان‌ها، براي گروه آزمايشي با دقت هر چه تمام‌تر و بر مبناي اهداف كتاب‌درماني، با مشاوره و راهنمايي متخصصان ادبيات كودكان صورت گرفت. داستان‌هايي كه براي گروه كنترل انتخاب شد، بر مبناي راهنماي داستان‌ها بود كه به‌طور معمول در مدارس استفاده مي‌شد و در انتخاب آن‌ها معيارهاي ادبي مورد توجه قرار نگرفته بود. در ژانوية همان سال از آزمون «پي‌سي‌تي»[[12]](http://www.aqlibrary.org/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_pubarticles&did=1322&pid=10" \l "_ftn12" \o ") استفاده شد. اين آزمون، در دو مرحله‌ـ پيش‌آزمون و پس‌آزمون ـ ميزان رشد مهارت‌هاي شناختي و تكامل رفتار دانش‌آموزان را در سه سطح (پايين ـ متوسط ـ بالا) اندازه‌گيري كرد. اين پژوهش، با هدف پاسخگويي به دو پرسش انجام شد: 1) آيا مداخلة مشاوره‌اي و رهنمونگر موجب رشد و تكامل كودكان مي‌شود؟ 2) آيا برنامه‌هاي درماني و مشاوره كه براساس كيفيت ادبي متون تنظيم شده، كارآمدتر از برنامة مشاورة‌ سنتي است؟ نتايج حاصل از اين پژوهش نشان مي‌دهد كه رشد شناختي در گروه آزمايشي بيشتر بوده است.

«شتمن» و «ناشول»[[13]](http://www.aqlibrary.org/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_pubarticles&did=1322&pid=10" \l "_ftn13" \o ") به مطالعه‌اي خاص‌تر پرداختند. آنان به بررسي تأثير كتاب‌درماني بر مشكلات روانشناختي مانند رفتار پرخاشگرانه و ناسازگارانه و كاهش باورهايي كه به تقويت اين رفتار مي‌انجامد، پرداختند. اين مطالعه دو سال به طول انجاميد و كار بر روي 117 نوجوان پرخاشگر 13 تا 16 سالة غربي در دو سال 1991 و 1992 صورت گرفت. اين برنامه شامل 15 داستان، شعر و فيلم بود كه داراي مضمون‌هاي پرخاشگري بودند و پيامدهاي اين رفتار و رفتارهاي جايگزين را به تصوير مي‌كشيدند. پس از خواندن داستان يا تماشاي فيلم به صورت گروهي، ابتدا با طرح پرسش، انگيزة شخصيت اصلي داستان از رفتار پرخاشگرانه شناسايي شد (برخي از آن‌ها در داستان يا فيلم بود و برخي ديگر با توجه به تجربة شخصي دانش‌آموزان بيان شد). سپس راه حل و رفتار جايگزين معرفي شد. نتايج حاصل از پيش‌آزمون و پس‌آزمون در هر دو گروه كنترل و آزمايشي، تفاوت‌هاي قابل‌ملاحظه‌اي را نشان داد. اين نتايج، در هر دو گروه آزمايشي در سال دوم، يعني سال 1992 رضايت‌بخش‌تر بود و نگرش پرخاشگرانة نوجوانان به‌طور قابل‌ملاحظه‌اي كاهش يافته بود.

«گلدارد» و «گلدارد»[[14]](http://www.aqlibrary.org/index.php?module=TWArticles&file=index&func=view_pubarticles&did=1322&pid=10" \l "_ftn14" \o ") از داستان‌ها براي مشاورة كودكان بهره مي‌گيرند. به عقيدة آنان، داستان‌هايي با هدف‌هاي آموزشي به كودك كمك مي‌كنند رفتارهاي جديدي را ياد بگيرد و به اصلاح رفتارهايي كه از پيش آموخته، بپردازد. مثلاً، كودكاني كه مورد سوء استفادة جنسي قرار مي‌گيرند، ياد گرفته‌اند به ديگران اعتماد كنند و با بزرگسالان مؤدب باشند. چنين كودكاني بايد ياد بگيرند حد و مرز را حفظ كنند و متوجه باشند هنگامي كه در معرض خطر هستند، «نه گفتن» ضروري است. افزون بر اين مورد، از داستان‌ها براي آموزش مهارت‌هاي اجتماعي، كنترل خشم و نيز آموزش كودكاني كه جدايي يا مرگ والدين خود را تجربه مي‌كنند، مي‌توان استفاده كرد.

اگرچه پيشرفت‌هايي كه امروزه در علوم رفتاري،‌ جامعه‌شناسي و پزشكي صورت گرفته، بر ارزش و قابليت‌هاي كتاب‌درماني افزوده است، به‌نظر مي‌رسد كتاب‌درماني هنوز در مراحل تجربي است و پرسش‌هاي بسياري دربارة ماهيت و فنون علمي و ميزان تأثير اين فنون در استفاده از داستان‌ها براي حل مشكلات روانشناختي باقي‌ است. همچنين، روش‌هاي شناسايي داستان‌ها براي حل مشكلات روانشناختي گوناگون مشخص نيست، يا اگر هست در منابعي كه مطالعه شد، به آن‌ها اشاره‌اي نشده. به عبارتي، چگونگي تحليل محتوا و معيارهاي لازم براي نشان‌دادن مفاهيم مورد استفاده در محتواي داستان‌ها در ميان منابعي كه به‌دست آمد تجربه نشده است. يكي از هدف‌هاي مرور نوشتار، دسترسي به تجربه‌هاي مشابه براي انجام پژوهش است. تا آنجا كه جستجوها نشان مي‌دهند، بررسي در اين زمينه صورت نگرفته و صاحبنظران در پژوهش‌هاي خود فقط به معيارها و روش‌هاي كلي در رابطه با شناسايي كتاب‌هاي مناسب براي حل مشكلات روانشناختي اشاره داشته‌اند.

استفاده از كتاب براي كاهش مشكلات روانشناختي، هنوز در بسياري از كشورها ناشناخته است و به طور جدي كاربرد ندارد. ايران نيز از جملة اين كشورها است. دست‌اندركاران اين امر، تا اندازة زيادي با كتاب‌درماني بيگانه هستند. تعداد مقاله يا نوشته در اين موضوع اندك است. جز يك كتابي كه «تبريزي» با عنوان كتاب‌درماني در سال 1374 منتشر كرد و تا اندازه‌اي به معرفي كتاب‌درماني و كتاب‌هايي كه مي‌توان در اين زمينه مورد استفاده قرار داد پرداخته، بررسي يا پژوهش رسمي در اين زمينه صورت نگرفته است. بنابراين، به نظر مي‌رسد اين مفهوم هنوز در ميان كساني كه با توليد و نشر ادبيات كودكان و نوجوانان سر و كار دارند، رايج نيست. از اين‌‌رو نمي‌توان به نويسنده، نهاد يا ناشر تخصصي اشاره كرد كه در اين زمينه فعاليت داشته باشد.

از مقاله‌هاي اندكي كه در اين زمينه به‌دست آمد مي‌توان به مقالة «اصغري نكاح» (1381)اشاره كرد. «گلزاري» (1366) نيز در مقالة خود تا اندازه‌اي به معرفي كتاب‌درماني، تاريخچه يا مرور پژوهش‌هاي انجام‌شده مي‌پردازد. بنابراين، با اين شناخت اندك و در نظرگرفتن اين نكته كه كتاب‌درماني هنوز در جامعه معرفي نشده يا در مراحل مقدماتي مي‌باشد، هنوز مشخص نيست محتواي كدام يك از كتاب‌هايي كه منتشر مي‌شود و تا چه ميزان، در درمان يا كاهش مشكلات رواني كودكان مؤثر است. در نتيجه نمي‌توان انتظار داشت سازمان‌ها، مؤسسه‌ها يا ناشران، همانند دنياي غرب كتاب‌هايي در اين زمينه به بازار عرضه كنند. همچنين، از پژوهش‌هايي كه به تحليل محتوا پرداخته‌اند، فقط دو مورد به‌دست آمد («رازپوش»، 1357؛ «ستاري»، 1377)؛ يكي از آن‌ها به بررسي مفاهيم اجتماعي داستان‌هاي مناسب كودكان و ديگري به بررسي مفاهيم اجتماعي در داستان‌هاي واقعي مناسب نوجوانان توجه داشته‌اند. از اين رو، انجام پژوهشي دربارة شناسايي داستان‌هايي كه بر كاهش مشكلات روانشناختي تاكيد دارند، ضروري به نظر مي‌رسد.

**تحليل داده‌ها و بحث و نتيجه‌گيري**

كتاب‌هاي داستاني مناسب و منتخب «شوراي كتاب كودك» در گروه سني «ب» در سال‌هاي 1380 ـ 1370 شامل 432 كتاب است كه از ميان آن‌ها تعداد 61 كتاب حذف شده است: 44 مورد از آن‌ها به‌دليل ماهيت و ويژگي‌هاي خاص داستان‌ها، و 17 مورد ديگر نيز به‌دليل آن‌كه دسترسي به آن‌ها ممكن نشد (يعني در بازار و در كتابخانه‌هايي كه احتمال وجود آن‌ها مي‌رفت ـ مانند كتابخانة تحقيقاتي «شوراي كتاب كودك» و كتابخانه‌‌هاي «كانون پرورش فكري كودكان و نوجوانان»‌ـ موجود نبود).

از 370 كتاب باقي‌مانده، تعداد 28 عنوان به‌صورت مجموعة داستان است. اين داستان‌ها هر يك به‌طور جداگانه مورد تحليل قرار گرفتند. مثلاً در مجموعه‌اي كه شامل 6 داستان است، تك‌تك داستان‌ها تحليل شد و هر داستان از جهت نوع (واقعي، غيرواقعي، ترجمه، تأليف) و مشخصه‌‌هاي نشر (نويسنده، ناشر، سال نشر) به صورت هويتي مستقل مورد بررسي قرار گرفت. در هنگام آمارگيري و ارائة نتايج نيز، تك تك داستان‌ها مستقل از مجموعة خود مورد شمارش قرار گرفتند. به اين ترتيب، جامعة نهايي اين پژوهش تعداد داستان‌ها است نه تعداد كتاب‌هاي داستاني؛ يعني 460 داستان مورد بررسي و تحليل قرار گرفتند. بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده، وضعيت داستان‌هاي منتخب «شوراي كتاب كودك» به تفكيك سالبررسي و نوع اثر‌‌ (ترجمه، تأليف) در نمودار شمارة 1 نشان داده مي‌شود.



|  |
| --- |
|           تاليف --n- ترجمه ....5....                                        |

نمودار شماره 1 نشان مي‌دهد تعداد داستان‌هاي مناسب كودكان در بخش تأليف در سال‌هاي 1372 و 1373 در مقايسه با ديگر سال‌ها كمي ‌افزايش داشته. اين روند موقتي است، زيرا در سال‌هاي 1376 و 1377 تعداد داستان‌هاي مناسب گروه سني «ب» با كاهش زيادي روبرو شده. اين امر ممكن است دلايل متفاوتي داشته باشد كه بررسي آن‌ها از هدف‌هاي اين پژوهش نيست. به‌نظر مي‌رسد ضروري است نويسند‌گان داستان‌هاي كودكان بيشتر به انتشار اين داستان‌ها و بويژه معيارهاي انتشار كتاب مناسب توجه داشته باشند.

اين نمودار رشد قابل‌ملاحظه‌اي را در مورد داستان‌هاي مناسب ترجمه‌شده نشان مي‌دهد. به‌نظر مي‌رسد اين نوع داستان‌ها از هر دو جنبه كم‍ّي ‌و كيفي رشد دارند. به عبارتي، ميزان انتشار آن‌ها افزايش يافته و توانايي راه يافتن به سياهة داستان‌هاي مناسب را داشته‌اند.

نوع داستان‌ها از نظر واقعي و غيرواقعي در جامعة پژوهش متفاوت است. سهم داستان‌هاي واقعي 76 عنوان و سهم داستان‌هاي غيرواقعي 394 عنوان مي‌باشد. اين امر از آنجا ناشي مي‌شود كه نويسنده‌هاي خارجي و داخلي گرايش بيشتري به خلق داستان‌هاي غيرواقعي و بويژه گونة ادبي‌ ـ فانتري، كه در نيمة دوم قرن بيستم متداول گرديد، پيدا كرده‌اند («محمدي»، 1378). پراكندگي ناشراني كه در طول سال‌هاي 1380 ـ 1370 در حوزة ادبيات كودكان فعاليت داشته‌اند، زياد است، به طوري كه در مجموع تعداد ناشران به 92 مورد مي‌رسد. در دهة 70، «كانون پرورش فكري كودكان»، تعداد 82 عنوان، «آواي انديشه» 42 عنوان، «قدياني» 35 عنوان، «سروش» 20 عنوان، «دفتر نشر فرهنگ اسلامي»، «همگام با كودكان» و «افق» هر يك 11 عنوان و «مدرسه»، «چشمه» و «شباويز» هر يك 10 عنوان داستان منتشر كرده‌اند. پراكندگي نويسنده‌ها نيز مانند ناشران زياد است. از ميان تعداد زياد نويسندگان جامعة اين پژوهش، مي‌توان فقط به پنج نويسنده اشاره كرد كه در اين زمينه فعاليت جدي داشته‌اند.

**پاسخ به سؤال‌هاي پژوهش**

چهار متغير اين پژوهش پرخاشگري، اعتماد به نفس پايين، ترس، و اندوه هستند.

**1. كتاب‌هاي داستاني مناسب كودكان در گروه سني «ب» تا چه ميزان پاسخگوي هريك از چهار مشكل روانشناختي‌ـ يعني پرخاشگري، اعتماد‌به‌نفس پايين، ترس، و اندوه ـ هستند؟**

 براي پاسخ به سؤال اول، يعني شناسايي داستان‌هايي كه مي‌توانند براي كاهش پرخاشگري، تقويت اعتماد به نفس، كاهش ترس و اندوه مورد استفاده قرار گيرند، فراواني مؤلفه‌‌هاي هر يك از متغير‌‌ها در جدول‌هاي مربوط به آن‌ها مشخص شد. به عبارت ديگر، فراواني مؤلفه‌هاي موجود در جدول‌هاي مربوطه، تعيين‌كنندة ميزان پاسخگويي داستان‌‌ها به هر يك از متغير‌‌ها است. هر متغير شش مؤلفه دارد. پس از مطالعة داستان و تحليل محتواي آن، در صورت شناسايي مؤلفه/ مؤلفه‌ها در يك داستان، امتياز/ امتيازهاي مربوطه در ماتريس آن متغير ثبت ‌شد. نتايج به‌دست‌آمده در جدول شماره 1 نشان داده مي‌شوند.

**جدول 1. فراواني و فراواني نسبي داستان‌‌هايي كه در هر چهار‌ متغير امتياز به‌دست آورده اند**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **فراواني****متغير‌‌ها** | **فراوانيداستان‌هاي****1تا 6 امتيازي** | **فراواني داستان‌هاي****3 تا 6 امتيازي** |
| **پرخاشگري** | **55****(26%)** | **38****(24%)** |
| **اعتماد به نفس پايين** | **92****(43%)** | **66****(42%)** |
| **ترس** | **44****(21%)** | **35****(22%)** |
| **اندوه** | **22****(10%)** | **18%****(12%)** |
| **جمع** | **213****(100%)** | **157****(100%)** |

داده‌‌‌هاي جدول شماره 1 نشان مي‌دهد كه از مجموع 460 داستان تحليل‌شده در اين پژوهش، تعداد 213 داستان امتياز به دست آورده‌اند. دامنة امتياز‌‌ها از 1 تا 6 مي‌باشد. همان‌طور كه در قسمت ابزار پژوهش گفته شد، معيار انتخاب داستان‌‌هاي مؤثر در كاهش مشكلات روانشناختي مورد نظر، امتياز 3 و بالاتر در نظر گرفته شده. از اين رو داستان‌‌هايي كه امتياز كمتر از 3 به دست آورده‌اند، در گروه داستان‌‌هاي ضعيف قرار مي‌گيرند.

بر اساس داده‌‌‌هاي موجود در جدول شماره 1، از مجموع 460 داستان تحليل‌شده در اين پژوهش، تعداد 157 عنوان داستان از تأثير لازم براي كاهش چهار‌ مشكل روانشناختي، (يعني پرخاشگري، اعتماد به نفس پايين، ترس و اندوه) برخوردار هستند. به عبارت ديگر، از 213 داستاني كه امتياز به‌دست آورده‌اند، 157 مورد مؤثر شناخته شدند. اين تعداد در مقايسه با يك دورة ده ساله كافي به نظر نمي‌رسد، بويژه آن‌كه توزيع فراواني‌‌‌ها در چهار‌ متغير ناهمگن است و چنين استنباط مي‌شود كه برخي از متغير‌‌ها (مانند اعتماد‌به‌نفس پايين) بيش از ديگر متغير‌‌ها مورد توجه نويسنده‌‌‌ها قرار گرفته‌اند. در ادامه، سؤال اول پژوهش در مورد هر يك از متغير‌‌ها به طور جداگانه پاسخ داده مي‌شود و يافته‌هاي مربوط مورد بحث قرار مي‌گيرند.

براي شناسايي داستان‌هاي پاسخگو به متغير «پرخاشگري»، امتياز داستان‌‌ها بر اساس مؤلفه‌‌‌هاي پرخاشگري تعيين، و سپس فراواني داستان‌‌هاي 1 تا 6 امتيازي مشخص شد. مؤلفه‌‌‌هاي پرخاشگري عبارت‌اند از: 1) رغبت اجتماعي، 2) آرام‌سازي رواني، 3) تسلط بر خود، 4) بيان خود به شيوة سالم، 5) پيامد رفتار پرخاشگرانه، 6) كاهش خشم. جدول شماره 2 فراواني مؤلفه‌‌‌هاي پرخاشگري را در داستان‌‌هايي كه امتياز 1 تا 6 را كسب كرده‌اند، نشان مي‌دهد.

**جدول 2. فراواني مؤلفه‌‌‌هاي پرخاشگري در گروه داستان‌‌هاي 1 تا 6 امتيازي(55= n)**

|  |  |
| --- | --- |
| **مؤلفه‌ها** | **فراواني** |
| **رغبت اجتماعي** | **45** |
| **آرام‌سازي رواني** | **1** |
| **تسلط بر خود** | **37** |
| **بيان خود به شيوة سالم** | **40** |
| **پيامد رفتار پرخاشگرانه** | **29** |
| **كاهش خشم** | **44** |

مشاهدة داده‌‌‌هاي جدول شماره 2 نشان مي‌دهد كه نويسنده‌‌‌ها تا اندازة زيادي به مفهوم «رغبت اجتماعي» كه در قالب دوستي، همياري و همكاري به كودك عرضه مي‌شود، توجه داشته‌اند. اين مؤلفه حتي در داستان‌‌هايي كه به طور مستقيم مضمون پرخاشگري ندارند، براي تشويق كودك به برقراري ارتباط با ديگران و تقويت روحية همدلي و همكاري مورد تاكيد قرار گرفته است. در مقابل، مولفة «آرام‌سازي رواني» كمترين سهم را به خود اختصاص داده است. «آرام‌سازي رواني» در مفهوم خاص خود، يعني انحراف ذهن كودك از هيجان‌‌هاي منفي مانند «خشم» در نظر گرفته شده است؛ اما در مفهوم كلي‌تر، داستان‌‌هاي بسياري را مي‌توان يافت كه به نكات طنز، سرگرمي ‌و لذت‌بخش توجه داشته‌اند. بنابراين، توجه به جنبة آرامش‌بخشي داستان‌‌ها ضروري به نظر مي‌رسد.

از طرف ديگر، برخي از ديدگاه‌هاي روانشناختي نيز در داستان‌‌ها مورد توجه قرار مي‌گيرند. مثلاً مولفة «كاهش خشم» كه در جدول شماره 2 در رتبة دوم قرار گرفته، به كودك كمك مي‌كند خشم و عصبانيت خود را كنترل كند. همچنين، مولفة «پيامد رفتار پرخاشگرانه» در رتبة چهار‌م، به‌طور آگا‌‌هانه يا ناآگا‌‌هانه مورد توجه تعدادي از نويسنده‌‌‌ها است و آنان در اغلب داستان‌‌ها سعي مي‌كنند به كودك آموزش دهند رفتار‌‌هاي خشونت‌آميز، اثرات مخربي را به‌دنبال دارد. بنابراين، داده‌‌‌هاي به‌دست‌آمده از اين پژوهش نشان‌دهندة بازتاب محتواي داستان‌‌ها است، حتي اگر نويسنده در هنگام تأليف، هدف ديگري را در نظر داشته باشد.

به‌منظور نشان دادن ميزان تأثير داستان‌‌هاي اين گروه، يعني ميزان تأثير آن‌ها در كاهش پرخاشگري، جدول شماره 3 تهيه شد. بر اساس داده‌‌‌هاي جدول شماره 2 فراواني داستان‌‌هاي 1 تا 6 امتيازي نشان داده مي‌شود. مجموع فراواني داستان‌‌هايي كه به متغير پرخاشگري پرداخته‌اند و امتياز 1 تا 6 را به خود اختصاص داده‌اند، 55 عنوان از مجموع 460 داستان است، اما همانطور كه پيشتر اشاره شد، داستان‌‌هاي 1 و 2 امتيازي از گروه داستان‌‌هاي ضعيف به شمار مي‌آيند و بنابراين، معيار انتخاب براي بحث، داستان‌‌هايي است كه امتياز 3 و بالاتر را كسب كرده‌اند (داستان‌‌هاي متوسط و قوي). مجموع فراواني داستان‌‌هاي متوسط و قوي در جدول شماره 3 برابر با 38 عنوان است. درصد فراواني اين مقدار در گروه داستان‌‌هاي مربوط به متغير پرخاشگري ( 55= n) 69 درصد و در كل داستان‌‌ها يعني، چهار‌ متغير (460= n) 8 درصد است. به بيان ديگر، از مجموع 460 داستان جامعه آماري پژوهش، فقط حدود 8 درصد از داستان‌‌ها را مي‌توان براي حل يا كاهش پرخاشگري توصيه كرد. اگرچه اين تعداد در گروه داستان‌‌هاي پرخاشگري ( 55= n) قابل توجه است و در حدود 69%، داستان‌‌هاي 1 تا 6 امتيازي را تشكيل مي‌دهند، در مقايسه با كل داستان‌‌هاي بررسي‌شده، اين تعداد قابل ملاحظه نيست. سياهة برخي از داستان‌‌هاي مؤثر در كاهش پرخاشگري در پيوست شماره 1 آمده است. جدول شماره 3 فراواني امتياز داستان‌‌ها را بر اساس پاسخگويي به مؤلفه‌‌‌ها در متغير پرخاشگري نشان مي‌دهد.

**جدول 3. فراواني و فراواني نسبي داستان‌‌هاي پاسخگو به مؤلفه‌‌‌هاي پرخاشگري ( 55 = n)**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **تعداد****فراواني امتياز‌‌ها** | **فراواني داستان‌‌ها** | **فراواني نسبي داستان‌‌ها** |
| **1** | **5** | **9%** |
| **2** | **12** | **22%** |
| **3** | **8** | **15%** |
| **4** | **15** | **27%** |
| **5** | **15** | **27%** |
| **6** | **0** | **0** |
| **جمع** | **55** | **100%** |

پرخاشگري يكي از هيجان‌هاي منفي است كه در كودكان سنين آغاز دبستان شايع است. اين رفتار، در مواردي با تماشاي صحنه‌‌‌هاي خشونت‌آميز، تقليد مي‌شود. امروزه با هجوم رسانه‌‌هايي كه كودكان را به‌سوي خشونت سوق مي‌دهند و استفادة زياد كودكان از اين رسانه‌‌ها بويژه تلويزيون، لزوم كمك به كودكان پرخاشگر در جهت رفع اين رفتار احساس مي‌شود. رغبت اجتماعي، تسلط بر خود به مفهوم صبر و خويشتنداري و نظارت بر خود در هنگام خشم، روش‌‌هاي بيان صحيح احساسات، يعني روش‌‌هايي مانند گفتگو و آشتي كه كودك را بهتر به هدف خود نزديك مي‌كند، آگاهي نسبت به پيامد‌‌هاي رفتار پرخاشگرانه، آرام‌سازي رواني و كاهش خشم از طريق بينشي كه قهرمان با هر يك از آموزش‌‌هاي داده‌شده به‌دست مي‌آورد، از جمله مفاهيمي ‌هستند كه از راه داستان به كودك منتقل مي‌شوند. درواقع، داستان‌‌ها بستر مناسبي هستند تا كودك پرخاشگر به طور غيرمستقيم از طريق موقعيت‌‌ها و شخصيت‌‌هاي آن، شناخت و بينش درستي به دست آورد و به تدريج در تعديل و رفع اين رفتار ناهنجار بكوشد. بسياري از داستان‌‌ها با تاكيد بر مفاهيم عاطفي و تشويق به دوستي و همكاري و همياري، سعي در رشد و تقويت رفتار‌‌هاي اجتماعي در كودكان سالم و طبيعي دارند. درواقع، اين داستان‌‌ها جنبة پيشگيري دارند. با وجود اين، كودكان زيادي به دلايل مختلف از روند رشد رفتار‌‌هاي بهنجار باز‌مي‌مانند و رفتار‌‌هاي پرخاشگرانه از خود بروز مي‌دهند. امروزه كودكان در مقابل روش‌‌هاي مستقيم درمان پرخاشگري مانند پند و اندرز يا مصرف دارو، مقاومت مي‌كنند يا حتي واكنش منفي نشان مي‌دهند. كودك براي برقراري تعادل مجدد، بايد احساس نياز و انگيزه داشته باشد. به همين دليل بايد روش‌‌هايي را برگزيد كه رغبت و انگيزة كودك را براي برقراري ارتباط و تلاش در جهت كاهش سوءرفتار برانگيزد. داستان‌‌ها از اين ويژگي برخوردارند كه مفاهيم و رهنمود‌‌هاي آموزشي را به‌طور غيرمستقيم با رنگ و لعاب شخصيت‌پردازي‌‌ها و حوادث شيرين و نقل روايت‌هاي لذت‌بخش درهم‌مي‌آميزند و همانند پلي با كودك ارتباط برقرار مي‌كنند و در نتيجه، بر او اثر مي‌گذارند. درواقع، مي‌توان از ويژگي و مولفة مهم داستان يعني عاطفه، كه به جذابيت‌هاي متن مي‌افزايد، بهره گرفت و رشد شناختي كودك را شتاب داد. به همين دليل، نويسندگان مي‌توانند از اين قابليت داستان‌‌ها بهره گيرند و داستان‌‌هايي با هدف كاهش پرخاشگري تأليف كنند.

براي پاسخ به قسمت ديگر سؤال پژوهش، يعني شناسايي داستان‌هايي كه پاسخگوي متغير «اعتماد به نفس» هستند، همانند متغير پرخاشگري، امتياز داستان‌‌ها بر اساس مؤلفه‌‌هاي «اعتماد به نفس» تعيين و سپس فراواني داستان‌‌هايي كه از يك تا 6 مؤلفه استفاده كرده اند، مشخص شد. مؤلفه‌‌‌هاي اعتماد به نفس عبارت‌اند از: 1) تصوير ذهني مثبت از خود، 2) ارائة الگوي اعتماد به نفس، 3) خلاقيت، 4) حس ارزشمندي، 5) استفاده از توانايي‌‌ها، 6) باور پذيرش از سوي خود و ديگران. جدول شماره 4 فراواني مؤلفه‌‌هاي اعتماد به نفس را در داستان‌‌هاي مناسب اين پژوهش نشان مي‌دهد.

**جدول 4. فراواني مؤلفه‌‌‌هاي اعتماد به نفس در داستان‌‌هاي 1 تا 6 امتيازي(92=n)**

|  |  |
| --- | --- |
| **تعداد****مؤلفه ‌‌ها** | **فراواني** |
| **تصوير ذهني مثبت از خود** | **62** |
| **ارائه الگوي اعتماد به نفس** | **42** |
| **خلاقيت** | **20** |
| **حس ارزشمندي** | **50** |
| **استفاده از توانايي ‌‌ها** | **49** |
| **باور پذيرش از سوي خود و ديگران** | **32** |

داده‌‌هاي جدول شماره 4 نشان مي‌دهد از ميان 6 مؤلفة اعتماد به نفس، مؤلفه «تصوير ذهني مثبت از خود» بيشترين فراواني را دارد. اگرچه هنوز مشخص نيست كداميك از نويسندگان، داستان را با هدف تقويت اعتماد به نفس نوشته‌اند، به نظر مي‌رسد مؤلفه «تصوير ذهني مثبت از خود» به‌طور مستقيم يا غيرمستقيم مورد توجه بسياري از نويسنده‌‌‌ها هست، اما روش‌ نويسندگان براي بيان و انتقال اين مفهوم متفاوت است. مثلاً ارائة الگو‌‌هاي اعتماد به نفس يكي از روش‌هايي است كه كودك مي‌تواند از راه همانندسازي با اين الگو‌‌ها، نگرش و تصوير مثبتي از خود بسازد. شخصيت‌پردازي‌‌هاي گوناگون مانند شخصيت‌‌هاي به ظاهر ضعيف، اما مؤثر كه قادرند كار‌‌هاي بزرگي انجام دهند، روش ديگري است كه موجب مي‌شود كودك، خود و توانمندي‌‌هايش را باور كند و باور‌‌هاي منفي را از خود براند. اين روش‌ها كه فراوان در داستان‌‌ها تكرار شده‌اند، موجب مي‌شوند مؤلفه «تصوير ذهني مثبت از خود» بيشترين سهم را به خود اختصاص دهد. به‌طوركلي، مؤلفه‌‌‌هاي متغير «اعتماد به نفس» با هدف تقويت خود، به‌گونه‌اي سالم و بهنجار مورد توجه قرار مي‌گيرند. مؤلفه «خلاقيت» نيز كه فراواني كمتري دارد، از اهميت زيادي برخوردار است، زيرا اين مفهوم به كودك مي‌آموزد نه تنها خود را باور داشته باشد، بلكه در سطحي بالاتر در جهت تكامل خود بكوشد و خود را به شكوفايي برساند. به عبارت ديگر، در همة اين موارد كودك به‌نوعي، شناخت خود را از محيط و خود، كامل‌تر مي‌كند. بنابراين، لازم است نويسندگان بر انتقال و آموزش اين مفهوم نيز توجه بيشتري داشته باشند.

بر اساس مؤلفه‌‌هاي موجود در جدول شماره 4، فراواني داستان‌‌هاي 1 تا 6 امتيازي به‌دست آمد. نتيجه در جدول شماره 5 نشان داده مي‌شود. مجموع فراواني داستان‌‌هايي كه امتياز 1 تا 6 را به خود اختصاص مي‌دهند، 92 است. در اينجا، همانند متغير پرخاشگري، داستان‌‌هاي 1 و 2 امتيازي در گروه داستان‌‌هاي ضعيف قرار مي‌گيرند. همانطور كه گفته شد، معيار انتخاب داستان‌‌هاي مؤثر، يعني داستان‌‌هايي كه در هر متغير، توانايي كاهش مشكلات روانشناختي را داشته باشد، عنوان‌‌هايي است كه امتياز 3 و بالاتر (داستان‌‌هاي متوسط و قوي) را كسب كرده باشند. مجموع فراواني داستان‌‌هاي متوسط و قوي در متغير اعتماد‌به نفس برابر با 66 عنوان است. فراواني نسبي اين مقدار در متغير اعتماد‌به نفس (92=n)، 72 درصد و در كل داستان‌‌ها، يعني چهار‌ متغير ( 460= n)، 14 درصد است. به عبارت ديگر، از مجموع 460 داستان مناسب در دهة هفتاد، فقط 14 درصد از داستان‌‌ها در گروه سني «ب» توانايي تقويت اعتماد به نفس را دارند. اگرچه در مقايسه با متغير پرخاشگري، تعداد داستان‌‌ها افزايش يافته، ولي در طول دورة ده ساله، اين تعداد كافي به‌نظر نمي‌رسد. نام برخي از داستان‌‌هاي تقويت‌كنندة اعتماد به نفس در پيوست شماره 2 آمده.

**جدول 5. فراواني و فراواني نسبي داستان‌‌هاي پاسخگو به مؤلفه ‌‌هاي اعتماد به نفس (92= n)**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **تعداد****فراواني امتياز‌‌ها** | **فراواني داستان‌ها**  | **فراواني نسبي داستان‌ها** |
| **1** | **13** | **14%** |
| **2** | **13** | **14%** |
| **3** | **24** | **26%** |
| **4** | **30** | **32%** |
| **5** | **9** | **10%** |
| **6** | **3** | **4%** |
| **جمع** | **92** | **100%** |

اعتمادبه‌نفس از جمله توانمندي‌‌هايي است كه بايد در كودكان شكل گيرد يا تقويت شود. اعتماد به نفس و احساس ارزشمندي، يك نياز است. به بيان ديگر، براي گام‌نهادن در موقعيت‌‌هاي مختلف جامعه، حس ارزشمندي و اعتماد به نفس در سلامت روان نقش دارند. مدرسه اولين محيط اجتماعي است كه كودك به طور رسمي‌در آن قدم مي‌گذارد. براي آن‌كه كودك بتواند در اين محيط تحصيلي عملكرد درستي داشته باشد، لازم است توانايي‌‌‌هاي خود را باور داشته باشد و بموقع از آن‌ها بهره گيرد. درواقع، با شكل‌گيري شالودة اين توانايي در سال‌هاي اول دبستان، اعتماد به نفس در عرصه‌‌‌هاي ديگر آموزشي و تحصيلي تثبيت و تقويت مي‌شود. اعتماد به نفس موجب مي‌شود كودك خود را به عنوان هويتي مستقل و ارزشمند بپذيرد و مورد احترام ديگران نيز واقع شود. همچنين، اين توانايي موجب مي‌شود كودك ديدي واقع‌بينانه نسبت به خود و ويژگي‌‌هاي شخصيت خود داشته باشد و در نتيجه از اختلال‌‌هاي شخصيتي، يعني خودكم‌بيني و يا خودبزرگ‌بيني در امان بماند. كودكي كه اعتماد به نفس دارد، نگرش مثبتي نسبت به خود و جهان دارد و به زندگي اميدوار است. در مقابل، كودكي كه اعتماد به نفس ضعيفي دارد، به تدريج باور‌‌هاي منفي را در خود تقويت مي‌كند و دچار يأس مي‌شود. اين امر موجب مي‌شود كودك نتواند از توانايي‌‌ها و خلاقيت‌‌هاي خود بهرة لازم را بگيرد. بنابراين، در گام اول لازم است كودك خود را باور كند و به هويت خود احترام بگذارد. امروزه با هجوم فرهنگ‌هاي مختلف از طريق رسانه‌هاي تبليغاتي، شاهد هستيم كودكان به سهولت از اين فرهنگ‌‌ها اثر مي‌پذيرند و دست به رفتار‌‌هاي تقليدجويانه مي‌زنند. اين اثرپذيري‌‌ها نشانة گم‌كردن هويت و عدم احترام به خود است و در سطحي فراتر، هويت جامعه را به خطر مي‌اندازد. به همين دليل، ضرورت دارد آموزش مفاهيمي ‌مانند باورپذيري و نگرش مثبت به خود و توانايي‌‌هاي خود، از همان دوران كودكي مورد توجه قرار گيرند.

داستان‌‌ها ابزار مناسبي هستند كه بر شكل‌گيري و تقويت اعتماد به نفس اثر مي‌گذارند. به عبارت ديگر، داستان‌‌ها از دو بعد پيشگيري و درمان، به كودكان سالم و ناهنجار كمك مي‌كنند. كودكان با افرادي كه داراي اعتماد به نفس هستنند، همانندسازي مي‌كنند و آنان را به عنوان الگوي رفتار خود برمي‌گزينند. اگرچه تعداد داستان‌‌هايي كه در طول دهة اخير منتشر شده‌اند و موجب تقويت اعتماد به نفس مي‌شوند، زياد نيست، به نظر مي‌رسد ارائة الگو‌‌ها و انتقال مفهوم هويت و ارزشمندي مورد توجه بسياري از آن‌ها است. همچنين، نشناختن هويت خود و پيامد‌‌هاي آن در قالب شخصيت‌‌هاي جانوري، مي‌تواند توجه كودك را به بحران هويت، كه امروزه تا اندازة زيادي با آن روبرو هستيم، جلب كند.

در رابطه با متغير «ترس»، همانند دو متغير ديگر اين پژوهش، يعني «پرخاشگري» و «اعتماد به نفس»، ابتدا امتياز داستان‌‌ها بر اساس مؤلفه‌‌هاي «ترس»، معين گرديد و در مرحلة بعد، فراواني داستان‌‌هايي كه 1 تا 6 امتياز به دست آورده اند، مشخص شد. اين مؤلفه‌‌ها عبارت‌اند از: 1) مقابله با عامل ترس، 2) آرام‌سازي رواني، 3) ارائة الگو‌‌هاي شجاعت، 4)‌خلاقيت، 5) كنجكاوي، 6) كاهش ترس. جدول شماره 6 فراواني و فراواني نسبي مؤلفه‌‌هاي ترس را در داستان‌‌هاي 1 تا 6 امتيازي نشان مي‌دهد.

**جدول 6. فراواني مؤلفه‌‌هاي ترس در داستان‌‌هاي 1 تا 6 امتيازي(44= n)**

|  |  |
| --- | --- |
| **تعداد****فراواني مؤلفه‌‌ها** | **فراواني** |
| **مقابله با ترس** | **39** |
| **آرام‌سازي رواني** | **2** |
| **ارائة الگو‌‌هاي شجاعت** | **31** |
| **خلاقيت** | **23** |
| **كنجكاوي** | **7** |
| **كاهش ترس** | **38** |

داده‌‌هاي موجود در جدول شماره 6 نشان‌ مي‌دهد كه مؤلفه «مقابله با ترس» بيشترين فراواني را به‌دست آورده است. مطالعة داستان‌‌ها نشان داد اين مفهوم با روش‌هاي مستقيم و غيرمستقيم به كودك آموزش داده مي‌شود.مثلاً استفاده از شخصيت‌‌هاي به ظاهر ضعيف، كه به فراخور توان خود از فرصت‌‌ها و توانايي‌‌هاي خود بهره مي‌گيرند و بر عامل ترس غلبه مي‌كنند يا ارائة الگو‌‌هاي شجاعت و جسارت، مي‌تواند در انتقال اين مفهوم موثر باشد. در مقابل، مولفة «آرام‌سازي رواني» كمترين فراواني را دارد. آرام‌سازي رواني در مفهوم خاص خود يعني كاهش اضطراب و هيجان‌‌هاي منفي ناشي از ترس و نيز حساسيت‌زدايي نسبت به عامل ترس به‌كار مي‌رود. به همين دليل، داستان‌‌هاي اندكي ‌را مي‌توان يافت كه روش برخورد آن‌ها با عامل ترس از راه آرام‌سازي رواني باشد. با توجه به اهميت آرامش در زندگي كودك، لازم است داستان‌‌ها از بُعد آرام‌سازي تقويت شوند. همانطور كه گفته شد، مشخص نيست كداميك از داستان‌‌ها با هدف كاهش يا رفع چهار‌ متغير اين پژوهش تأليف شده‌اند. با وجوداين، در هر متغير، حضور برخي از مؤلفه‌‌ها به‌طور برجسته‌تري نمايان است. در متغير «ترس» مؤلفه‌‌هاي «مقابله با ترس»، «كاهش ترس» و «ارائة الگو‌‌هاي شجاعت» بيشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. خلاقيت و كنجكاوي از دو زاوية ديگر، ترس در كودكان را كاهش مي‌دهند. به ‌عبارتي، كنجكاوي به كودك مي‌آموزد براي اين‌كه جسارت كافي داشته باشد و يك گام به جلو رود، بايد پيشاپيش خود را به چالش اندازد و به استقبال خطرها برود. خلاقيت نيز به كودك مي‌آموزد در موقعيت‌‌هاي دشوار، نيرو‌‌هاي بالقوة خود را متمركز كند و از آن‌ها به‌شكلي خلاق بهره گيرد. در نتيجه، انتظار مي‌رود اين مفاهيم نيز مورد توجه قرار گيرند.

بر اساس مؤلفه‌‌هاي موجود در جدول شماره 6، داستان‌‌هايي كه امتياز 1 تا 6 را به دست آورده‌اند، مشخص شد. مجموع فراواني داستان‌‌هاي 1 تا 6 امتيازي، 44 عنوان از مجموع 460 داستان جامعة اين پژوهش است. همانند دو متغير «پرخاشگري» و «اعتماد به نفس»، داستان‌‌هايي كه امتياز 1 و 2 كسب كرده‌اند در گروه داستان‌‌هاي ضعيف به شمار مي‌روند. بنابراين، معيار گزينش داستان‌‌هاي مؤثر، امتياز 3 و بالاتر است. مجموع فراواني داستان‌‌هاي متوسط و قوي برابر با 35 عنوان است. فراواني نسبي اين مقدار در متغير ترس (44= n) 80 درصد و در كل داستان‌‌ها، يعني چهار‌ متغير (460=n)، 8 درصد است. به عبارتي، از مجموع 460 داستان بررسي و تحليل شده، در حدود 8 درصد از داستان‌‌ها توانايي كاهش مشكل روانشناختي «ترس» را دارند. برخي از اين داستان‌‌ها كه حاصل اين پژوهش هستند، در پيوست شماره 3 آمده‌اند. به‌ اين‌ ترتيب، سهم داستان‌‌هاي پاسخگو به مشكل روانشناختي «ترس» طي يك دورة ده ‌ساله چندان قابل توجه نيست. جدول شماره 7 فراواني امتياز داستان‌‌ها را بر اساس پاسخگويي به مؤلفه‌‌ها در متغير «ترس» نشان مي‌دهد.

**جدول 7. فراواني و فراواني نسبي داستان‌‌هاي پاسخگو به مؤلفه‌‌هاي ترس (44=n )**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **تعداد****فراواني امتياز‌‌ها** | **فراواني** | **فراواني نسبي** |
| **1** | **5** | **11%** |
| **2** | **4** | **9%** |
| **3** | **13** | **30%** |
| **4** | **20** | **45%** |
| **5** | **2** | **5%** |
| **6** | **.** | **.** |
| **جمع** | **44** | **100%** |

مشاهده مي‌شود تعداد داستان‌‌هايي كه توانايي كاهش ترس را دارند، در دهه 1380-1370 كافي به نظر نمي‌رسد. ترس از جمله مشكلات روانشناختي است كه كودكان در سنين مختلف آن را تجربه مي‌كنند. برخي از ترس‌‌ها نقش حفاظتي دارند و وجود آن‌ها به عنوان عاملي بازدارنده در برابر خطر‌‌ها ضروري است. در مقابل، برخي ديگر از ترس‌ها با عامل ترس تناسبي ندارند و در صورتي كه به‌وسيلة عوامل مختلف تقويت شوند، كودك را در عملكرد خود دچار ناتواني و اختلال مي‌كنند. كودك به‌دليل تجربة كم خود نمي‌تواند ترس‌هاي خود را بيان كند يا ماهيت و چگونگي محرك‌‌هاي ترس را شناسايي كند. به عبارت ديگر، توانايي‌‌هاي شناختي كودك در سنين مختلف محدود است و به او اجازه نمي‌دهد به تجزيه و تحليل عوامل ترساننده بپردازد. به همين دليل، مي‌توان از ابزار‌‌هايي استفاده كرد تا كودك، ساختار‌‌هاي شناختي خود را گسترش دهد و تكامل بخشد. داستان از جمله ابزار‌‌هايي است كه راه‌هاي برخورد با محرك‌هاي ترس را به روش‌هاي مختلف به كودك نشان مي‌دهد. كودك از راه همانندسازي با قهرمان‌‌هاي داستان متوجه ترس‌‌ها و اضطراب‌‌هاي دروني خود مي‌شود و از طريق روش‌ها و راهبرد‌‌هايي كه قهرمان داستان از آن‌ها بهره مي‌گيرد، مي‌آموزد چگونه با ترس‌هايي كه در وجود وي نهفته‌اند، مقابله كند. همچنين درمي‌يابد برخي از ترس‌ها طبيعي هستند و براي حفاظت وي ضروري مي‌باشند؛ در نتيجه، با اين ترس‌ها كنار مي‌آيد. داستان‌‌ها به كودك مي‌آموزند كه برخي از ترس‌ها به‌دليل ناشناخته‌بودن ماهيت محرك‌هاي «ترس» به‌وجود مي‌آيند و در صورتي كه كودك، كنجكاوي لازم براي شناخت محرك ترس، يا توان روبرو شدن با آن‌ها را داشته باشد، اين محرك‌ها ترساننده نيستند.

ترس از مدرسه يكي از ترس‌هاي شايع در سال‌هاي آغاز دبستان (يعني جامعة مورد مطالعة اين پژوهش) است. اگرچه اين ترس از عوامل مختلفي ناشي مي‌شود، در موارد زيادي به دليل ناشناخته‌بودن، در كودك ايجاد وحشت مي‌كند. كودك با الگوگرفتن از قهرمان‌‌ها، نسبت به ماهيت واقعي عامل ترس، يعني مدرسه، شناخت پيدا مي‌كند و متوجه مي‌شود مدرسه نه‌تنها ترساننده نيست، بلكه در صورت استفاده از توانايي‌‌ها و خلاقيت‌‌ها، براي وي موفقيت به‌همراه مي‌آورد و لذت‌بخش مي‌شود. به‌اين‌ترتيب، بسياري از ترس‌هاي منطقي و غيرمنطقي بر اثر شناخت كاهش مي‌يابند. همچنين، داستان از جنبة آرامش‌بخشي به تعديل هيجان‌‌هاي ترس مي‌پردازد، زيرا اين نوع داستان‌‌ها همانند مسك‍ّن، كودك را آرام مي‌كنند.

همانند ديگر متغير‌‌ها، براي پاسخ به سؤال اول پژوهش در مورد متغير آخر، يعني شناسايي داستان‌هايي كه مي‌توانند براي كاهش ترس مورد استفاده قرار گيرند، امتياز داستان‌‌ها بر اساس مؤلفه‌‌هاي متغير «اندوه» مشخص، و سپس فراواني داستان‌‌هايي كه امتياز 1 تا 6 را به دست آورده‌اند، معين شد. مؤلفه‌‌هايي كه براي سنجش ميزان تأثير داستان‌‌ها در كاهش يا حل «اندوه» مورد توجه بوده اند، عبارت‌اند از 1) اميد، 2) بگذار تا بگذرد، 3)‌رفع اندوه، 4) اشتراك در مشكل، 5) برقراري ارتباط با ديگران، 6) برقراري ارتباط با طبيعت. جدول شماره 8 فراواني مؤلفه‌‌هاي اندوه را در داستان‌‌هايي كه امتياز 1 تا 6 را كسب كرده‌اند نشان مي‌دهد.

**جدول 8 . فراواني مؤلفه‌‌هاي اندوه در داستان‌‌هاي 1 تا 6 امتيازي(22= n)**

|  |  |
| --- | --- |
| **تعداد****فراواني امتياز‌‌ها** | **فراواني** |
| **اميد** | **22** |
| **بگذار تا بگذرد** | **2** |
| **رفع اندوه** | **20** |
| **اشتراك در مشكل** | **16** |
| **ارتباط با ديگران** | **12** |
| **ارتباط با طبيعت** | **3** |

داده‌‌هاي جدول شماره 8 نشان مي‌دهد كه مؤلفه «اميد» بيشترين فراواني را دارد. به نظر مي‌رسد اين مؤلفه در داستان‌‌هاي مستقيم و نيز در داستان‌‌هايي كه به‌طور غيرمستقيم به اندوه كودكان اشاره دارند، مورد توجه بوده است. به‌طوركلي، در داستان‌‌ها سعي شده از طريق حقيقت زندگي، يعني تلاش دوباره براي به‌دست‌آوردن چيز‌‌هاي ازدست‌رفته، جستجو و كشف راه‌هايي كه به زندگي اندوهبار پايان مي‌دهند، مفهوم اميد را در كودك نهادينه كنند. مؤلفه «رفع اندوه» پس از مؤلفه «اميد» بيشترين فراواني را دارد. داستان‌‌ها به روش‌‌هاي مختلفي به نكوهش اندوه مي‌پردازند و قصد دارند به كودك بياموزند تا حد امكان بايد با آن كنار آمد و براي زندگي توأم با لذت و خوشي، سرمايه‌گذاري كرد. مؤلفه «اشتراك در مشكل» از مفاهيمي ‌است كه در متون روانشناسي مورد تاكيد قرار گرفته («گلزاري»، 1366، ص 69)، اما در مقايسه با ديگر مؤلفه‌‌ها، فراواني كمتري دارد. درك «اشتراك در مشكل» تا اندازة زيادي كودك را تخليه و آرام مي‌كند، زيرا متوجه مي‌شود او تنها نيست و كودكان ديگري نيز در تجربة وي سهيم هستند. همچنين، مؤلفه «برقراري ارتباط با ديگران» كه موجب مي‌شود كودك پيوند‌‌ها و علاقه‌‌هاي خود را در كساني كه قصد كمك به وي را دارند، زنده كند و خود را از تنهايي نجات دهد، نياز به توجه بيشتري دارد. مؤلفه «ارتباط با طبيعت» كمترين سهم را از آن خود كرده است. شايد اين امر از آنجا ناشي ‌شود كه امروزه، انس با طبيعت در زندگي كودكان كمرنگ شده و گسترش زندگي شهرنشيني، مانع از برخورداري و پيوند با طبيعت مي‌شود. نقش جبران‌كنندگي و آرام‌سازي طبيعت موجب مي‌شود كودك اضطراب ناشي از جدايي، تنهايي و فقدان را در پناه طبيعت و نمود‌‌هاي مختلف آن (مانند جانوران و گيا‌‌هان) كاهش دهد و خلأ ناشي از جدايي را پر كند. بنابراين لازم است نويسندگان به تشويق و تقويت روي‌آوردن به طبيعت كه جاي آن در زندگي كودك خالي است، توجه داشته باشند.

فراواني داستان‌‌هايي كه امتياز 1 تا 6 را در رابطه با متغير «اندوه» به‌دست آورده‌اند، بر اساس مؤلفه‌‌هاي موجود در جدول شماره 8 مشخص شد. اين تعداد برابر با 22 عنوان از مجموع 460 داستان است. با حذف داستان‌‌هاي 1 و 2 امتيازي (داستان‌‌هاي ضعيف)، مجموع فراواني داستان‌‌هاي 3 امتيازي و بالاتر (داستان‌‌هاي متوسط و قوي) كه معيار گزينش داستان مؤثر است، برابر با 18 عنوان مي‌شود. درصد فراواني اين مقدار در متغير «اندوه» (22= n)، 82 و در كل داستان‌‌ها (460= n) 4 است. برخي از اين داستان‌‌ها در پيوست شماره 4 معرفي شده‌اند.

به اين ترتيب از مجموع 460 داستان تحليل‌شده در اين پژوهش، فقط حدود 4 درصد از داستان‌‌ها توانايي كاهش اندوه كودكان را دارند. اگرچه اين تعداد در نمونه، يعني داستان‌‌هايي كه امتياز 3 و بيشتر را از آن خود كرده اند، قابل توجه است، ولي در مقايسه با جامعة اين پژوهش، اين تعداد اندك مي‌باشد.

**جدول 9. فراواني و فراواني نسبي داستان‌‌هاي پاسخگو به مؤلفه‌‌هاي اندوه (22= n)**

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **تعداد****فراواني امتياز‌‌ها** | **فراواني** | **فراواني نسبي** |
| **1** | **1** | **5%** |
| **2** | **3** | **13%** |
| **3** | **8** | **36%** |
| **4** | **7** | **32%** |
| **5** | **2** | **9%** |
| **6** | **1** | **5%** |
| **جمع** | **22** | **100%** |

امروزه تعداد كودكاني كه به‌ دلايل گوناگون (مانند مرگ، طلاق، مهاجرت، جنگ و اسارت) به‌طور موقت يا دائمي ‌دچار اندوه و فقدان مي‌شوند، كم نيست. اندوه ممكن است بر اثر ازدست‌دادن كسي، موقعيتي يا چيزي حاصل شود، زيرا كودك در هنگام جدايي از افراد يا چيز‌‌هايي كه به آن‌ها دلبستگي دارد، دچار اضطراب و در نتيجه نگراني و اندوه مي‌شود. در چنين شرايطي كودك نيازمند آرامش و مساعدت عوامل محيطي است، زيرا به تنهايي قادر به كنارآمدن و مقابله با اين مشكل نيست.

داستان، از دو بعد شناختي و هيجاني به كودك كمك مي‌كند با اين مشكل كنار بيايد يا مقابله كند. هنگامي‌كه كودك متوجه مي‌شود كودكان ديگري در تجربة وي سهيم هستند، از تنهايي وي كاسته مي‌شود و احساس آرامش مي‌كند. همچنين، هنگامي‌كه كودك مي‌آموزد حقيقت و كنه زندگي را در اميد به آينده، كشف موهبت‌‌هاي شيرين زندگي و بهره‌‌بردن از آن‌ها، و دست دوستي به ‌ديگران دادن جستجو كند، توانسته است بينش و شناخت خود را نسبت به زندگي گسترش دهد. به بيان ديگر، كودك متوجه مي‌شود در پس زندگي و حوادث ناخوشايند آن مفهوم ديگري نهفته است و او نبايد دچار يأس و سرخوردگي شود. همة اين آموزش‌‌ها در تار و پود داستان‌‌هاي مناسب كودكان نهفته و بر ضمير آگاه و ناخودآگاه كودك اثر مي‌گذارند.

**2. كتاب‌هاي داستاني مناسب كودكان در گروه سني «ب» تا چه ميزان توانايي پاسخگويي به بيش از يك مشكل روانشناختي را دارند؟**

هدف از پاسخگويي به اين سؤال آن است كه تا حد امكان اثرات داستان‌‌ها را بشناسيم و از آن‌ها در كاهش مشكلات روانشناختي كودكان بهره ‌گيريم. شخصيت‌پردازي‌‌هاي قوي، ساخت و پرداخت مناسب و مضمون‌‌هاي متنوع و قوي در داستان‌‌ها سبب افزايش قابليت‌‌هاي آنان مي‌شود. به بيان ديگر، نوع نگاه نويسندگان به موضوع‌‌هاي مختلف موجب مي‌شود كه افزون بر مضمونِ محوري، مضمون‌‌هاي ديگري از زاويه‌‌هاي گوناگون مورد توجه قرار گيرند. به اين ترتيب، داستان‌‌ها مخاطبان بيشتر و متنوع‌تري پيدا مي‌كنند. كودكان داراي پيشينة فرهنگي و اجتماعي متفاوتي هستند. پرداختن به ابعاد مختلف يك موضوع باعث جذب كودكان بيشتر به فراخور نياز‌‌ها، رغبت‌‌ها و زمينه‌‌هاي فرهنگي آنان مي‌شود. ضرورت توجه به اين موضوع هنگامي ‌بيشتر مي‌شود كه متوجه مي‌شويم تعداد داستان‌‌هاي كودكان از نظر كم‍ّي‌كافي نيست. چه خوب است براي جبران كمبود‌‌ها به جنبه‌‌هاي كيفي توجه بيشتري شود.

براي پاسخ به اين سؤال، فراواني داستان‌‌هايي كه در هر چهار‌ جدول مربوط به متغير‌‌ها امتياز مناسب (3 و بالاتر) را به‌دست آورده‌اند، مشخص شد. نتايج نشان داد كه از مجموع 460 داستان، داستاني را نمي‌توان يافت كه به هر چهار‌ متغير مورد نظر در حد متوسط و بالاتر پاسخگو باشد. هنگامي‌كه تعداد متغير‌‌ها را به سه يا چهار‌ مورد كاهش دهيم، اين امكان به وجود مي‌آيد تا داستان‌‌هايي را با دو يا سه مضمون انتخاب كنيم. به طور مثال، با حذف متغير «پرخاشگري»، در سه متغير «اعتماد به نفس پايين»، «ترس» و «اندوه» مي‌توان 2 داستان توصيه نمود. نتيجة مقايسة داستان‌‌ها در جدول شماره 10 نشان داده مي‌شود.

**جدول 10. فراواني داستان‌هايي كه به بيش از يك متغير پاسخگو بوده‌اند (460= n)**

|  |  |
| --- | --- |
| **تعداد****متغير** | **فراواني** |
| **اعتماد به نفس پايين، ترس، اندوه** | **2** |
| **اعتماد به نفس پايين ، ترس** | **25** |
| **ترس، پرخاشگري** | **1** |
| **اندوه، اعتماد به نفس** | **8** |
| **اندوه، پرخاشگري** | **1** |

همان‌طور كه توضيح داده شد، معيار انتخاب داستان‌‌هاي مؤثر، امتياز 3 و بالاتر است. اگرچه تعداد داستان‌‌هاي پاسخگو به بيش از يك متغير قابل ملاحظه نيست، داده‌‌هاي جدول شماره 10 نشان مي‌دهد داستان‌‌هاي پاسخگو به دو متغير «اعتماد به نفس» و «ترس»، بيشترين فراواني را دارند. به‌عبارتي، 25 عنوان داستان را مي‌توان به‌طور مشترك در كاهش ترس و تقويت اعتماد به نفس استفاده كرد. دليل اين امر آن است كه مؤلفه‌‌هاي اين دو متغير در مواردي با يكديگر همپوشاني دارند، مانند «ارائة الگو‌‌هاي اعتماد به نفس» در متغير «اعتماد به نفس پايين» و «ارائة الگو‌‌هاي شجاعت» در متغير «ترس». به‌طوركلي، از داده‌‌هاي جدول شماره 10 چنين استنباط مي‌شود كه نويسنده‌‌‌هاي معدودي به پروردن مضمون‌‌هاي مختلف توجه داشته‌اند و به عبارتي داستان‌‌هاي مورد بررسي بيشتر تك‌مضموني هستند.

**بحث و نتيجه‌گيري**

از آنجاكه يكي از هدف‌‌هاي مقدماتي اين پژوهش، مطالعة رشد كودك است، اين مطالعه با رويكرد شناختي انجام شد. رشد شناختي، فرايندي است كه از طريق آن، شناخت كودك با دنياي پيرامون خود همخوان مي‌شود و به تدريج ساختار‌‌هاي ذهني او كامل‌تر مي‌شوند. اين امر موجب مي‌شود كودك به درك بهتري از خويش و محيط دست يابد. مطالعة جنبه‌‌‌هاي مختلف رشد از جمله رشد شناختي، به ما كمك مي‌كند نه‌فقط نياز‌‌ها و رغبت‌‌هاي كودك را در هر دوره شناسايي كنيم، بلكه مشكلات و نارسايي‌‌هاي ناشي از اختلال در رشد يا عدم ارضاي نياز‌‌ها را بهتر بشناسيم. با اين بينش مي‌توانيم از ابزار‌‌ها و امكاناتي كه موجب رشد يا كاهش و رفع مشكلات روانشناختي كودك مي‌شود، بهره گيريم. بر اين اساس، پس از مطالعة روند رشد شناختي كودك، چهار‌ مشكل روانشناختي «پرخاشگري»، «اعتماد به نفس پايين»، «ترس» و «اندوه» كه مي‌توانند در اثر اختلال در رشد شناختي يا عوامل ديگر به‌وجود آيند، مورد بررسي قرار گرفتند.

امروزه توجه به نياز‌‌هاي كودكان و حمايت از آن‌ها از ديد روانشناختي و جامعه‌شناختي بايد بيشتر مورد توجه قرار گيرد. با گسترش دامنة جنگ و خشونت و زيرپا‌نهادن ارزش‌‌هاي انساني، لزوم باروري و نهادينه‌شدن صلح و تفاهم و احترام به حقوق ديگران در كودكان احساس مي‌شود. همچنين، سيل هجوم رسانه‌‌‌هاي مختلف، از جمله سينما و تلويزيون سبب تحريك رفتار‌‌هاي پرخاشگرانه و تقليد از صحنه‌‌‌هاي خشونت‌آميز در كودكان گرديده است. به همين دليل، امروزه كودكان بيش از گذشته نيازمند حمايت و محافظت هستند.

افزايش درصد طلاق كه در رسانه‌ها به روشني ديده مي‌شود و پيامدهاي جنگ، مهاجرت، گرفتاري‌هاي شغلي و مرگ‌و‌مير كه اندوه فقدان عزيزان را به دنبال دارد، موجب بروز اندوه، ترس و ناامني در كودكان مي‌شود و لطمه‌هاي جبران‌ناپذيري را بر زندگي رواني كودك وارد مي‌كند.

از سوي ديگر، سيل رسانه‌‌‌هاي الكترونيكي كه امروزه در هر كوي و برزن به چشم مي‌خورند، سبب انتقال فرهنگ‌‌هاي مختلف گرديده است. اگرچه آشنايي با ملل و فرهنگ‌‌هاي مختلف و برقراري روابط انساني در سطوح بين‌المللي امتياز به شمار مي‌رود، اما لازمة‌ آن اين است كه كودكان ابتدا با فرهنگ و هويت ملي خود آشنا شوند و خود و ارزش‌‌هاي ملي را باور داشته باشند؛ در غير اين صورت دچار سرگشتگي و آشفتگي مي‌شوند و به سهولت تحت تاثير فرهنگ‌‌هاي بيگانه قرار مي‌گيرند. بنابراين، لزوم تكوين هويت و خودباوري در كودكاني كه به سهولت دستخوش تغييرات و اثرپذيري‌‌هاي منفي هستند، احساس مي‌شود.

براي كمك به اين كودكان و براي برخورداري از روان سالم، بايد از انواع روش‌ها و ابزارها كمك گرفت. استفاده از داستان براي كاهش يا حل مشكلات روانشناختي از جملة اين ابزارها است.

يافته‌‌ها نشان مي‌دهندكه داستان‌‌هاي مناسب كودكان در گروه سني «ب» كه در سال‌‌هاي 1380-1370 از سوي «شوراي كتاب كودك» برگزيده شده‌اند، رويكرد درماني ضعيفي دارند. مطالعة متون ادبيات كودكان نشان مي‌دهد كتاب‌‌هاي داستاني مناسب كودكان بايد با هدف رشد و شكوفايي استعداد‌‌ها، توانايي‌‌ها و گرايش‌‌هاي كودكان تأليف ‌شوند و به نياز‌‌هاي عاطفي، اجتماعي، آموزشي، اخلاقي و تربيتي آن‌ها پاسخگو باشند، ولي نتايج نشان مي‌دهند كه بيشتر داستان‌‌ها، توانايي لازم در پاسخگويي به نيازها، پيشگيري از مشكلات و بويژه حل مشكلات روانشناختي مورد نظر اين پژوهش را ندارند.

با توجه به روش‌هاي مستقيم و غيرمستقيمي كه براي ارائة مفاهيم به‌كار رفته است، به‌نظر مي‌رسد دوستي، همدلي، تفاهم، صلح و آشتي از جمله مفاهيمي ‌هستند كه در مقايسه با ديگر مضمون‌‌ها به آن‌ها توجه بيشتري شده و در تعدادي از داستان‌‌ها نمود يافته است. برخي از داستان‌‌ها به انتقال ارزش‌‌هاي اصيل انساني مانند صداقت و راستگويي، شهامت، پالايش روح و روان، بخشندگي و ايثار، بشردوستي،‌ همياري و همكاري پرداخته‌اند. برخي ديگر، صفات منفي مانند غرور و اعتماد به نفس كاذب، تنبلي، بدعهدي، خودخواهي، حرص و آز و خيالبافي را مورد نكوهش قرار داده‌اند. انس با طبيعت و جانوران، از مضمون‌‌هاي ديگري است كه مورد توجه نويسندگان است و به برقراري تعادل روحي در كودكان كمك مي‌كند. در مقابل، زندگي شهرنشيني و ماشيني و سردي روابط انساني، در برخي ديگر از داستان‌‌ها با زبان طنز به سخره گرفته شده‌اند. همچنين، تنهايي و ر‌‌هاشدگي كودكان از نظر جامعه‌شناختي، از مشكلات كودكان امروز است كه در تعدادي از داستان‌‌ها بازتاب يافته است. هويت و معنا‌بخشيدن به زندگي كودك نيز تا اندازه‌اي به چشم مي‌خورد. گاه مضمون‌‌هاي آموزشي مانند تبديل پنبه و پشم به نخ و پارچه در قالب لذت‌بخش طنز به كودك ارائه مي‌شوند. برخي از داستان‌‌ها فقط جنبة سرگرمي ‌دارند و برخي ديگر درك نكات طنز را در كودك تقويت مي‌كنند. تعدادي، نياز‌‌هاي عاطفي كودكان را در قالب روابط آن‌ها با مادربزرگ‌‌ها و پدربزرگ‌‌ها به تصوير كشيده‌اند. تعداد اندكي به مسائل ديني و اعتقادي و جنگ اشاره داشته‌اند و دو يا سه مورد نيز به كودكان استثنايي پرداخته‌اند.

كودكان همواره روند رشد طبيعي خود را دنبال نمي‌كنند و به‌دليل ارضا‌نشدن نياز‌‌ها و برخي از حوادث اجتناب‌ناپذير زندگي، دچار مشكلات روانشناختي از جمله پرخاشگري، اعتماد به نفس پايين، ترس و اندوه مي‌شوند. به همين دليل، لزوم توجه به جنبه‌‌‌هاي درماني داستان‌‌ها در كنار جنبه‌‌‌هاي پيشگيري‌كننده احساس مي‌شود.

با وجود اين، تعداد داستان‌‌هايي كه مي‌توانند پرخاشگري را كاهش دهند، كافي به نظر نمي‌رسد. به عبارتي، از مجموع 460 داستان مورد بررسي اين پژوهش، 38 داستان (يعني در حدود 8 درصد از كل جامعه) مي‌توانند براي كاهش پرخاشگري توصيه شوند. كمبود داستان در اين زمينه هنگامي ‌برجسته‌تر مي‌شود كه داستان‌‌ها از جنبه‌‌‌هاي كيفي مقايسه مي‌شوند و در طيف‌‌هاي ضعيف، متوسط و قوي قرار مي‌گيرند. تعداد داستان‌‌هايي كه امتياز 1 تا 6 را به دست آورده اند، برابر با 55 عنوان است. 17 داستان در گروه داستان‌‌هاي ضعيف، 23 داستان در گروه داستان‌‌هاي متوسط و 15 داستان در گروه داستان‌‌هاي قوي به شمار مي‌آيند. بنابراين، با در نظرگيري عواملي كه امروزه بيشتر به بروز پرخاشگري كمك مي‌كنند، لزوم تأليف داستان‌‌هايي در اين زمينه بيشتر احساس مي‌شود.

شمار داستان‌‌هايي كه مي‌توانند در تقويت اعتماد به نفس كودكان مورد استفاده قرار گيرند، در مقايسه با پرخاشگري اندكي افزايش يافته است، اما در يك دورة ده ساله و با توجه به رقم قابل توجه جامعة آماري، اين تعداد زياد نيست. از مجموع 460 داستان، تعداد 66 عنوان (يعني 14 درصد از كل داستان‌‌ها) در تقويت اعتماد به نفس موثرند. تعداد داستان‌‌هايي كه امتياز 1 تا 6 را به دست آورد‌‌ه‌اند، 92 عنوان است. در اين گروه، داستان‌‌هاي ضعيف (1 و 2 امتيازي) 26 عنوان، داستان‌‌هاي متوسط (3 و 4 امتيازي) 54 عنوان و داستان‌‌هاي قوي (5 و 6 امتيازي) 12 عنوان را از آن خود كرد‌‌ه‌اند.

نظر به اهميت و نقش اعتماد به نفس در زندگي و بويژه هنگامي‌كه كودك اولين محيط اجتماعي (يعني مدرسه) را تجربه مي‌كند و سپس خود را براي ورود به قلمرو اجتماع آينده آماده مي‌سازد، لزوم تقويت خودباوري و انتقال نگرش مثبت و سالم به كودك بايد بيشتر مورد توجه نويسندگان قرار گيرد.

ترس‌ها و هراس‌هاي كودكان كمتر جدي گرفته شده. كودكان به‌دليل ترس از عملكرد درست و منطقي در اجتماع از مقابله با مشكلات باز مي‌مانند: ترس از مدرسه در سنين آغاز دبستان، ترس از امتحان، ترس از بيمارستان و پزشك و دندانپزشك، ترس از موجودات خيالي كه زادة تخيل كودكان هستند، ترس از تاريكي و جانوران و بسياري ديگر از ترس‌ها كه به سلامت جسم و روان كودكان لطمه خواهند زد و پيامد‌‌هاي جبران‌ناپذيري در سال‌هاي بزرگسالي به‌دنبال خواهند آورد. خلق داستان‌‌هايي با ارائة الگو‌‌هاي شجاعت و آموزش ضمني راه‌هاي مقابله و رويارويي با ترس مي‌تواند راهگشاي كودكان باشد. با همة تاثيري كه ترس بر عملكرد كودكان دارد، از مجموع 460 داستان، 35 عنوان (يعني در حدود 8 درصد از كل داستان‌‌ها) براي كودكاني كه از اين مشكل رنج مي‌برند،‌ قابل توصيه است. توزيع فراواني در داستان‌‌هاي ضعيف 9 عنوان، در داستان‌‌هاي متوسط 33 عنوان، و در داستان‌‌هاي قوي 2 عنوان مي‌باشد.

«اندوه» از جمله مشكلات ديگري است كه كودكان بسياري با آن دست و پنجه نرم مي‌كنند. همان‌طور كه گفته شد، امروزه خطر‌‌هاي ناشي از جنگ و خشونت، مهاجرت و آوارگي، كودكان زيادي را تهديد مي‌كند. تعداد كودكان قرباني جدايي و طلاق نيز رو به افزايش است. با وجود اين، فقط 18 داستان (يعني 4 درصد از مجموع 460 داستان اين پژوهش) به‌طور عيني و ضمني به اندوه كودكان توجه داشته‌اند. تعداد داستان‌‌هايي كه امتياز 1 تا 6 را به‌دست آورده اند 22 عنوان است. در اين گروه، سهم داستان‌‌هاي ضعيف 4‌عنوان، داستان‌‌هاي متوسط 15 عنوان، و داستان‌‌هاي قوي 3 عنوان است. از اين رو نياز به تأليف داستان‌‌هايي كه در كاهش اندوه كودكان نقش دارند، بيشتر احساس مي‌شود.

در پايان، اميد مي‌رود نويسندگان و دست‌اندركاران كتاب‌‌هاي كودكان، مقام و منزلت مخاطبان خود را به‌درستي دريابند و توجه به نكاتي كه بيان شد، به خلق آثاري بينجامد كه بايسته و شايستة كودكان و در سطح نياز‌‌ها و مشكلات آنان باشد. همچنين، انتظار مي‌رود اين پژوهش مقدمه‌اي باشد تا كاركرد درماني داستان‌‌ها بيشتر مورد توجه قرار گيرد. ازاين‌رو، در پايان پيشنهاد‌‌هايي براي پژوهش‌‌هاي آينده ارائه مي‌شود.

**پيشنهاد براي پژوهش‌‌هاي آينده**

از آنجا كه تحليل محتواي كتاب‌هاي مناسب كودكان با رويكرد درماني، براي اولين‌بار در ايران انجام گرفته و مفهوم كتاب‌درماني نوپا است، كمبود‌‌ها و فضا‌‌هاي خالي زيادي به‌چشم مي‌خورند. انتظار مي‌رود اين پژوهش زمينه را براي پژوهش‌هاي مشابه و گسترده‌تر در اين زمينه فراهم كند. نظرها و پيشنهاد‌‌هايي كه به عقيدة محقق براي معرفي هر چه بيشتر كتاب‌درماني ضرورت دارد، در اينجا ارائه مي‌شوند:

1. انجام پژوهش‌هاي مشابه و استفاده از ابزار طراحي‌شده در اين پژوهش براي تحليل محتواي داستان‌هاي كودكان؛

2. انجام پژوهش‌هاي مشابه در رابطه با ديگر مشكلات روانشناختي كودكان گروه سني «ب» و نيز مشكلات روانشناختي ساير گروه‌هاي سني و سنجش ميزان تأثير داستان‌ها در كاهش يا از بين بردن مشكلات مورد نظر؛

3. استفاده از نتايج اين پژوهش به‌صورت تجربي در مورد كودكان گروه سني «ب».

**منابع**

اصغري‌نكاح، محسن. «گزارش اقدام پژوهشي كاربرد قصه به مثابه تكنيك و ابزار مشاوره و روان‌درماني كودك». **چكيده مقاله‌هاي اولين كنگره سراسري روانشناسي ايران**. تهران: دانشگاه تربيت معلم، 1381.

تبريزي، مصطفي. **كتاب‌درماني**. تهران: فراروان، 1374.

رازپوش، شهلا. **بررسي مفاهيم اجتماعي در كتابهاي مناسب كودكان در ايران (آثار نويسندگان ايراني)**. پايان‌نامه كارشناسي ارشد كتابداري و اطلاع‌رساني، دانشكده علوم‌تربيتي و روانشناسي، دانشگاه تهران،‌ 1357.

ستاري، منصوره. **بررسي مفاهيم اجتماعي در داستانهاي واقعي مناسب نوجوانان نوشته‌شده توسط نويسندگان ايراني در سالهاي 1367- 1358**. پايان‌نامه كارشناسي ارشد كتابداري و اطلاع‌رساني، دانشكده علوم‌تربيتي و روانشناسي، دانشگاه تهران،1377.

**شوراي كتاب كودك**. شماره سوم و چهارم، آذر و اسفند1363: ص. 30-25.

«كتاب‌درماني(2)». مترجم ميترا آل ياسين. **تربيت**. سال شانزدهم، دي1379:ص. 36-35.

گلزاري، محمود. «كتاب‌درماني». **قلمرو**. پاييز 1366: ص. 80- 69.

محمدي، محمد. **فانتزي در ادبيات كودكان**. تهران: نشر روزگار، 1378.

وادزورث، باري. جي. **روانشناسي رشد: تحول شناختي و عاطفي از ديدگاه پياژه**. مترجمان امير امين يزدي، جواد صالحي فدردي. مشهد: دانشگاه فردوسي مشهد، 1378.

Borders, S., and P. O. Paisley (1992). "Children’s literature as a resource for classroom guidance". **Elementary School Guidance &Counseling**, 27 (2), pp. 131-139**.**

Coles, R. (1986). **The call of stories: Teaching and the moral imagination**. Boston: Houghton Mifflin.

Geldard, K., and D. Geldard (1997). **Counselling children: A practical introduction**. London: SAGE Publications,.

Rovenger, J. (1988). "Children’s literature as a moral compass". **School Library Journal**, 33(8), pp. 45-46.

Schrank, F. A. (1982). "Bibliotherapy as an elementary guidance tool". **Elementary School Guidance & Counseling**, 16(3), pp. 218-227.

Shechtman, Z., and R. Nachshol (1996). "A school-based intervention to reduce aggressive behavior in maladjusted adolescents". **Journal of Applied Development Psychology**, 17, pp. 535-552.

**پيوست: عناوين مناسب**

**جدول پيوست شماره 1. سياهة برخي از كتاب‌هاي داستاني مناسب براي كاهش پرخاشگري در گروه سني «ب»، منتشر شده در سال‌هاي 1380- 1370**

| **عنوان** | **نويسنده** | **مترجم** | **تصويرگر** | **محل نشر** | **ناشر** | **سال نشر** |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| روزي كه مونيا دختر بدي بود | آسونبالزولا | فرنوش وحيدي | آسونبالزولا | تهران | نشر مركز | 1370 |
| قصةالاغه و كلاغه | اسدا...شعباني |   | آزاده افراسيابي | تهران | كانون | 1371 |
| مثلبوي گل | سوسن طاقديس |   | عطيهمركزي | تهران | افق | 1370 |
| گلپر، ماه ورنگين‌كمان | منيرورواني‌پور |   | ساراايرواني | تهران | كانون | 1371 |
| قصة خورشيد وباد شمال | لافونتن | زهراگالستان | وايلداسميت | تهران | كانون | 1370 |

**جدول پيوست شماره 2. سياهة برخي از كتاب‌هاي داستاني مناسب براي تقويت اعتماد‌به‌نفس**

**در گروه سني «ب»، منتشر شده در سال‌هاي 1380-1370**

| **عنوان** | **نويسنده** | **مترجم** | **تصويرگر** | **محل نشر** | **ناشر** | **سال نشر** |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| بادبادكزرد | زيبا مستعدي |   | حسنحاتمي‌آذر | تهران | نشر ني | 1370 |
| آدم كوچك وخواب‌هاي بزرگ | محمد محمدي |   | ميتراعبدي | تهران | فاطمي، واژه | 1370 |
| زيباترينتخم مرغ دنيا | هملههاينه | كمالبهروز كيا |   | تهران | انجام كتاب | 1370 |
| سوييمي | لئوليوني | مهران محبوبي | لئوليوني | تهران | ارغنون | 1370 |
| كلاغدم بريده | سرورپوريا |   | منوچهرعبدا... زاده | تهران | كانون | 1371 |

**جدول پيوست شماره 3. سياهة برخي از كتاب‌هاي داستاني مناسب براي كاهش ترس در گروه سني «ب»، منتشر شده در سال‌هاي 1380- 1370**

| **عنوان** | **نويسنده** | **مترجم** | **تصويرگر** | **محل نشر** | **ناشر** | **سال نشر** |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| سوييمي | لئو ليوني | مهران محبوبي | لئو ليوني | تهران | ارغنون | 1370 |
| آتش نشان كوچولو | جهانگير معصومي |   | ‌اختركرباسي | تهران | همكلاسي | 1371 |
| سنگ‌ماهي مهربان | اندروكلمنتر | عبد الوحيدايزدپناه | يوشي | تهران | مدرسه | 1371 |
| كدويقلقله‌زن | منيرورواني‌پور |   | نسرين خسروي | تهران | نشر مركز | 1372 |
| خانة جديد خارپشت | دينگيوژن | شهلا بارفروش | ليانگ پي لونگ | تهران | كانون | 1372 |

**جدول پيوست شماره 4. سياهة برخي از كتاب‌هاي داستاني مناسب براي كاهش اندوه**

**در گروه سني «ب»، منتشر شده در سال‌هاي 1380- 1370**

| **عنوان** | **نويسنده** | **مترجم** | **تصويرگر** | **محل نشر** | **ناشر** | **سال نشر** |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| سفيد برفي | منيرورواني پور |   | نسرينخسروي | تهران | مريم | 1370 |
| سوييمي | لئو ليوني | مهران محبوبي | لئوليوني | تهران | ارغنون | 1370 |
| آزاده | مازيارتهراني |   | پريماشاهين مقدم | تهران | كانون | 1371 |
| صداي من، صداي او | دونالد امي مك | محسنچيني‌فروشان | سارا فوكس ريوس | تهران | مدرسه | 1370 |
| سنگ‌ماهي مهربان | اندروكلمنتر | عبد الوحيدايزدپناه | يوشي | تهران | مدرسه | 1371 |

1. Schema

2. Assimilation

3. Accomodation

4. Equiliberation

1. Identification

2. Catharsis

3. Insight

1. Shrank, 1982

2. Coles, 1986

1. Rovenger, 1988

2. Borders & Paisley, 1992

3. PCT

1. Shechtman & Nachshol, 1996

2. Geldard & Geldard, 1997